

صدرا

نشریه‌ی دانشجویان اقتصاد

اقتصاد دولت نهم

پرونده ماه: برنامه و بودجه

تاریخچه‌ی برنامه‌ریزی در ایران

اقتصاد برای همه: قصه‌های قدیمی فقر!





صدر

شماره ششم - آذرماه ۱۳۸۶
نشریه‌ی دانشجویان اقتصاد

صاحب امتیاز

انجمن علمی دانشجویان م.ا و اقتصاد

مدیرمسئول

مهدی طغیانی

سردبیر

علی سعیدی

مدیر اجرایی

محمدعلی نظری

با تشکر از

دکتر شاهرودی

نشانی

تهران، بزرگراه چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام
صادق علیه السلام، دفتر انجمن علمی دانشجویان
معارف اسلامی و اقتصاد

پست الکترونیک

sadrjournal@gmail.com

- ۱..... رشته‌ی ازدها کشی
- ۲..... سیاست‌های کلی اصل ۴۴ از نگاه رهبری
- اقتصاد دولت نهم
- ۷..... بخش آخر مصاحبه با حجه الاسلام مصباحی مقدم
- جهانی سازی و مسایل آن
- ۱۱..... معرفی و نقد کتاب استیگلیتز
- نظارت در بانکداری اسلامی
- ۱۴..... ترجمه‌ی مقاله‌ای از دکتر طریق الله خان
- ۱۷..... پرونده‌ی ماه: برنامه و بودجه
- ۱۸..... تاریخچه‌ی برنامه‌ریزی در ایران
- عملکرد برنامه‌های توسعه
- ۱۹..... مروری بر برنامه‌های توسعه‌ی قبل و بعد از انقلاب
- ۲۳..... پیشینه‌ی تاریخی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی
- ۲۵..... از دیوان محاسبات چه می‌دانید؟
- ایران آینده
- ۲۷..... بررسی روند تهیه و تدوین چشم‌انداز ۲۰ ساله
- ۲۸..... اقتصاد برای همه: قصه‌های قدیمی فقر!
- ۲۹..... معرفی سایت دانشکده‌ی پنسیلوانیای آمریکا
- ۳۰..... همراه با دانشکده
- ۳۱..... اخبار ایران
- ۳۲..... برندگان نوبل اقتصاد ۲۰۰۷
- ۳۳..... کار یکا تورهای ماه

صدر پذیرای مطالب شماست.

صدر در ویرایش مطالب آزاد است.

مطالب درج شده در صدر صرفاً بیانگر دیدگاه نویسندگان آنها
است و هیچ مسئولیتی متوجه انجمن علمی دانشجویان م.ا و اقتصاد
نمی‌باشد.

استفاده از مطالب صدر با ذکر منبع بلامانع است.

رشته‌ی ازدها کشی!

سر دبیر



شماره ششم - آذرماه ۱۳۸۶

نه چندان نزدیک بتوانیم در همین پارادایم و با تکیه بر همین اصول حرف تازه‌ای بزنیم! اما با توجه به تجربه قرن اخیر، پس از این همه سال هنوز هم (حتی در همین پارادایم علمی موجود) نتوانسته‌ایم حرف جدیدی بزنیم. روی صحبت ما این جا است که ما صورت‌ها را از غرب گرفته‌ایم ولی روش‌های آموزش را نه! مثل غربیها دانشگاه و دانشکده و بخش داریم، و همان کتابهایی را که آنها می‌خوانند، با همان سرفصل‌ها و تعداد سال و واحد می‌خوانیم، اما در غرب روز به روز به حجم علم تولید شده افزوده می‌شود اما در ایران ما انگار نه انگار! به راستی علت چیست؟ مدتی است که سر خود را با پژوهش و تحقیق گرم نگه‌داشته‌ایم، و خوشحال از این‌که دانشجویان را مجبور می‌کنیم برای فلان درس حتماً تحقیق درسی بنویسند، یا لاقلاً فلان مطلب از فلان کتاب را ترجمه کنند. اما واقعاً اجبار دانشجویان به تحقیق درسی، واقعاً تشویق پژوهش است؟ فرهنگ کپی‌برداری که در دانشگاه‌ها و در میان دانشجویان (و حتی اساتید!) وجود دارد سدی بزرگ و مانعی عمده بر سر راه تحقیق و پژوهش است، خصوصاً در حوزه‌های علوم انسانی و به طور خاص رشته اقتصاد. بگذریم از این‌که در مورد آموزش اقتصاد، هیچ استراتژی مشخصی و معینی نداریم؛ یعنی اصلاً در کشور ما، نه تنها اقتصاد، بلکه هیچ علمی سؤال محور نیست. برای اکثر دانشجویان سال‌های پایین، اصلاً روشن نیست که چرا اقتصاد می‌خوانند، و اقتصاد به چه دردشان می‌خورد؟

ما در خیلی از ظواهر، مقلد محض و بی‌چون‌چرای غرب شده‌ایم به طوری که در بعضی از شئون زندگی کاملاً غربی شده‌ایم و در خیلی از شئون دیگر هم غریبانه همیشه هم آنقدر خود را عقب‌مانده و توسعه نیافته می‌دانسته و می‌دانیم که حتی جرأت و جسارت پرسیدن از چرایی غرب را به خود نمی‌دهیم و دائماً و با تلاشی زیاد، در پی رسیدن به آرمانشهر تخیلی‌ای هستیم که خودمان از غرب ترسیم نموده‌ایم. به همین دلیل هم گاه و بی‌گاه و عامدانه یا جاهلانه به دنبال تقلید از غرب (البته گاه هم شرق ژاپنی و به تازگی چینی!) هستیم. با وجود این‌که این تقلید، اکثر شئون و ظواهر زندگی را دربر گرفته، ولی هیچ‌گاه در روشها و راهکارها، مقلد نبوده‌ایم! تقلید ما محدود به نحوه لباس پوشیدن، غذا خوردن، ادا در آوردن، برج ساختن و تظاهر به روشنفکری بوده است. ما همیشه می‌خواستیم بدون هیچ زحمت و دردمندی مانند کشورهای غربی به اصطلاح پیشرفت کرده و توسعه یابیم بدون این‌که خود را درگیر الزامات این عمل کنیم؛ غافل از اینکه اگر غرب، غرب شد، قرنهای سیاه و پر درد و رنج قرن هفده و هجده را پشت سر گذاشت. بحث ما در اینجا، در حوزه آموزش است. ما صورت فعلی مدارس و دانشگاه‌ها را از غرب گرفته‌ایم، کتاب‌های درسی را هم که غربیهای پیشرفته (!) زحمت کشیده‌اند و برای ما نوشته‌اند و ما هم که خیلی عقب افتاده‌ایم (!) فعلاً باید همین کتاب‌ها را بخوانیم تا شاید و شاید در آینده‌ای



در همه جا صادق است؟ اگر در جایی از جهان این قوانین و اصول نقض شد، آیا آن نقطه جهان مشکل دارد و باید طوری اصلاح شود که این قوانین و اصول در آن جا هم صدق کند یا این که نه، این اصول و قوانین است که باید اصلاح و مورد تجدید نظر قرار گیرند؟ در حوزه تولید علم بومی، یک راه کار کوتاه مدت این است که با استفاده از روش های علمی موجود و با رویکرد مسأله محوری در کشور خود، به طور مصداقی و بسته ای، به سمت حل واقعی مشکلات حرکت کنیم و خود را با مسایل بی ربط و پراکنده و قیل و قال های این و آن سرگرم نکنیم! اما این راه کار از این جهت کوتاه مدت است که چه بسا این روش های علمی موجود هم خیلی متفن و چاره ساز نباشند و لازم باشد در پارادایمی جدید و خارج از چارچوب مدرن فعلی، به دنبال روش های بهتر و جدیدتری باشیم. با توجه به این مسایل، در حال حاضر، جریان علمی موجود در ایران خصوصاً در حوزه علوم انسانی و از جمله اقتصاد، مانند همان رشته اژدها کشی است و حاصل این همه هزینه کردن ها چیزی نیست مگر دکان باز کردن برای عده ای کثیری از ما که دوره ای چیزهایی را بخوانیم و پاس کنیم و در دوره ای بعد همان خزعبلات را به نسل آینده یاد بدهیم که آنها هم به نسلهای آینده و از این طریق، عده ای حق التدریس بگیرند و عده ای هم بیکار نباشند!

به چه درد جامعه شان می خورد؟ تا چه رسد به این که بدانند به چه درد دین و مذهب شان می خورد! روال آموزش خصوصاً در رشته اقتصاد این گونه است که عده ای یک سری چیزها را یاد می گیرند که بعد به دیگران یاد بدهند و آن ها نیز به نوبه خود به دیگران و دیگران و دیگران ... و همین طور این دور تسلسل ادامه می یابد تا غربی های پیشرفته و توسعه یافته به داد ما برسند و از روی لطف و کرم، مشکلات ما را حل کنند و جیب هان را خالی! جدای از مسأله ای روش آموزش در کشور ما که به جای سؤال محور بودن، متکی بر خواندن و حفظ کردن و پاس کردن است، بحث دیگر مربوط به محتوای کتب آموزشی است. اگر بخواهیم خیلی مختصر و مفید علم اقتصادی که در دانشگاه های ما تدریس می شود را تبیین کنیم باید بگوییم که در دانشگاه های ما تنها «مطالعه موردی اقتصاد آمریکا (و لا غیر!)» تدریس می شود. از کتاب های کلیات گرفته تا خرد و کلان و تجارت بین الملل و بخش عمومی و بانکداری و ... همه و همه بر اساس شواهد و یافته های اقتصادی در مورد ایالات متحده آمریکا است که آن هم به مدد دغدغه اقتصاددانان آمریکایی (و بعضاً انگلیسی) برای حل مشکلات اقتصادی کشورشان تولید شده است! بعید می دانم تا به حال به طور جدی به این فکر کرده باشیم که آیا هر اصل و قانون اقتصادی کشفی یا اعتباری که در اقتصاد آمریکا صادق است، لزوماً و قطعاً

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ از نگاه رهبری

مهدی احمدی (اقتصاد ۸۰)



راه قانونی و مشروع، از نظر اسلام هیچ اشکالی ندارد. ما هیچ وقت نگفتیم که اگر کسی فعالیت قانونی و مشروع بکند و ثروتی به دست بیاورد، از نظر شرع نامطلوب است. هیچ‌کس این را نگفته و نمی‌گوید؛ افرادی که دین را می‌شناسند و قرآن‌رامی‌شناسند.

■ منطق اسلام و قرآن در مورد ثروت چه می‌باشد و آیا میزان و حد مشخصی دارد؟

دو چیز را با هم نباید مخلوط کرد. یکی، تولید ثروت است. کسی فعالیت کند به شکل صحیحی و ثروت تولید کند. یکی، نحوه‌ی تولید و نحوه‌ی استفاده است. بخش اول قضیه، چیز مطلوبی است؛ چون هر ثروتی که در جامعه تولید می‌شود، به معنای ثروتمند شدن مجموع جامعه است. بخش دوم که بخش حساس است، این است که چگونگی تولید مورد توجه قرار بگیرد؛ از راه‌های غیرقانونی، با استفاده‌ی

باید سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی و تولید ثروت در معرض انتخاب همه‌ی آحاد فعال کشور قرار بگیرد؛ یعنی همه باید بتوانند در این زمینه فعالیت کنند.

از تقلبات و تخلفات نباشد؛ مصرف او، مصرف نامطلوبی از نظر شرع نباشد؛ بتواند مثل خونی در رگ‌های جامعه جریان پیدا کند؛ صرف در فساد نباشد. این آیه‌ی شریفه را ملاحظه کنید - سوره‌ی قصص، آیات مربوط به قارون - قارون یک نمونه‌ی کامل و یک ثروتمند نامطلوب از نظر اسلام و قرآن و شرع و همه است. از قول قوم قارون، (یا بزرگان و متدینین

اشاره: آنچه در پی می‌آید دسته‌بندی سخنان رهبر معظم انقلاب درباره‌ی اصل ۴۴ قانون اساسی است که به صورت سؤال و جواب تنظیم شده است. قسمت اول آن در شماره چهارم نشریه به چاپ رسید و قسمت آخر آن در این شماره به چاپ رسیده است.

■ حالت آرمانی و مطلوب کشور اسلامی از نظر اقتصادی چه می‌باشد و در این زمینه دولت چه نقشی برعهده‌دارد؟

کشور را [باید] از لحاظ ثروت ملی به حد استغناء و بی‌نیازی برسانیم، باید سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی و تولید ثروت در معرض انتخاب همه‌ی آحاد فعال کشور قرار بگیرد؛ یعنی همه باید بتوانند در این زمینه فعالیت کنند. دولت باید از آن حمایت کند؛ قانون‌بایدها را حمایت کند

■ بعضی‌ها اشکال می‌کنند که اجرای سیاست‌های ابلاغی باعث ثروتمند شدن بعضی اشخاص می‌شود، نظر شما در این مورد چیست؟

این اشکال به نظر ما اشکال واردی نیست. یکی از دوستان نزدیک و بسیار خوب ما به من گفت که می‌گویند این سیاست‌های اصل ۴۴ که شما ابلاغ کردید، موجب ثروتمند شدن افراد و وارد شدن سرمایه‌دارها به میدان می‌شود. من گفتم اصلاً ما این سیاست‌ها را ابلاغ کردیم برای اینکه همین کار بشود؛ برای اینکه بیایند وارد میدان بشوند، سرمایه‌گذاری کنند، فعالیت اقتصادی کنند. می‌گویند اینجوری می‌شود؟! ما اصلاً برای همین ابلاغ کردیم که این کار بشود. من در جواب آنها گفته‌ام و حالا هم می‌گویم که ثروتمند شدن از

بنی اسرائیل، یا حضرت موسی) قرآن نقل میکند؛ «قال له قومه» - این حرفها از آدمهای عامی و معمولی نیست؛ بنابراین حرفهای معتبری است؛ علاوه بر اینکه خود قرآن این حرفها را تقریر می‌کند؛ یعنی بیان و اثبات می‌کند - که به او می‌گویند: «و ابتغ فیما اتاک الله دار الآخرة»؛ آنچه که خدا به تو داد، این را وسیله‌ی به دست آوردن آخرت قرار بده. در روایات ما هم هست: «نعم العون الدنیا علی الآخرة»؛ از این ثروت برای آباد کردن آخرت استفاده کن. توصیه‌ی دوم: «و لا تنس نصیبک من الدنیا»؛ سهم خود را هم فراموش نکن. خود تو هم سهمی داری، نصیبی داری؛ آن را هم ما نمی‌گوییم که استفاده نکن؛ خودت بهره‌مند نشو از این ثروت؛ نه، بهره‌مند هم بشو؛ مانعی ندارد سوم: «و أحسن کما أحسن الله إلیک»؛ خدا به تو این ثروت را داده؛ تو هم وسیله‌ای بشو که بتوانی این ثروت را به دست مردمی که نیازمندند، برسانی. یعنی سهمی از این را به مردم بده. چهارم: «و لا تبغ الفساد فی الأرض»؛ فساد ایجاد نکن. آفت ثروت که باید از آن جلوگیری کرد، ایجاد فساد است. مترف نشو. به او نمی‌گویند ثروت جمع نکن، یا از این ثروتی که داری، برای ازدیاد آن استفاده نکن؛ یا آن را به کار تولید

مال را نه به صورت راکد و نازا در بیاورید - که در اسلام اسمش کنز کردن است - نه به صورت ولخرجی و ولنگاری در مصرف مال، آن را صرف در چیزهای غیر لازم زندگی کنید؛

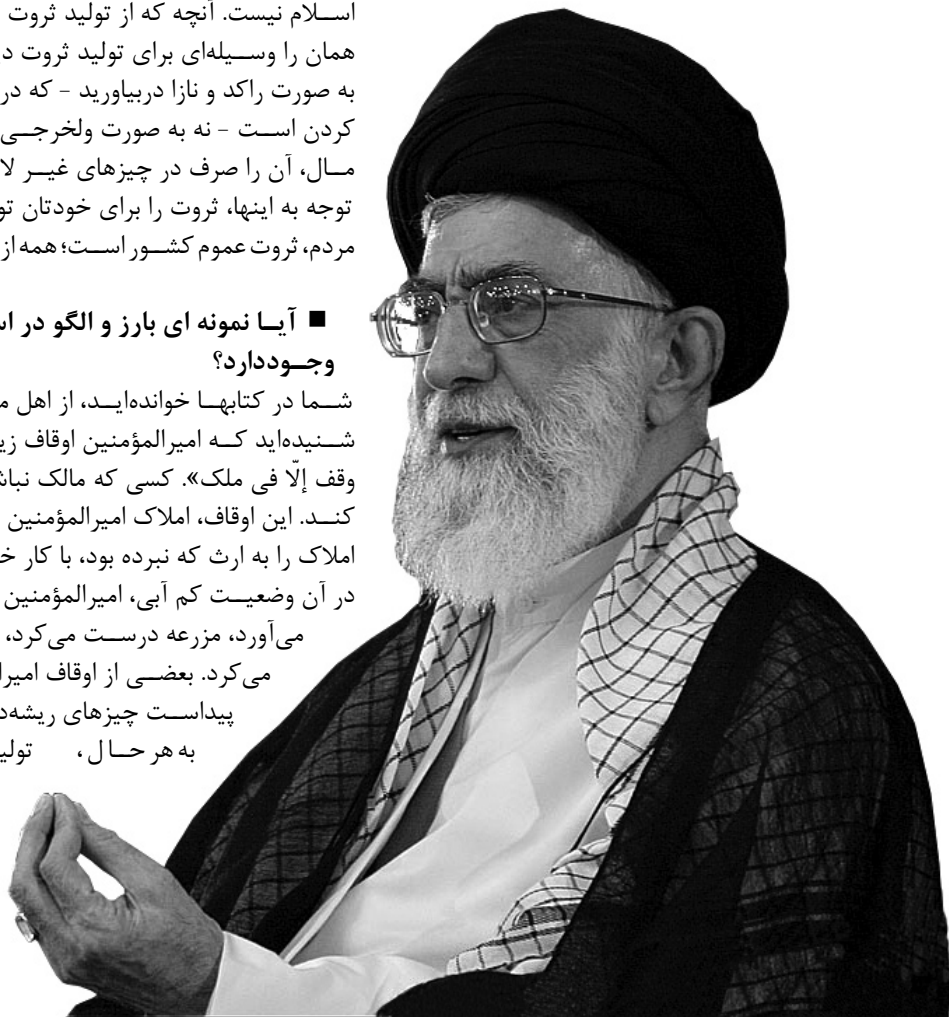
و سازندگی و تجارت زن؛ می‌گویند سوءاستفاده نکن؛ از این ثروت استفاده‌ی خوب بکن، که بهترین استفاده این است که آخرت را با این آباد کنی. نصیب خود را هم داشته باش؛ سهم خود را هم داشته باش. منطق اسلام این است.

■ نگرش اسلام به مقوله تولید و مصرف ثروت در اصل ۴۴ چگونه تبلور یافته است؟

تولید ثروت از نظر اسلامی بی‌مانع است. تولید ثروت با غارت ثروت دیگران فرق دارد. یک وقت کسی به اموال عمومی دست‌درازی می‌کند، یک وقت کسی بی‌قانون و بدون پیروی از قانون به دستاوردهای مادی می‌رسد؛ اینها ممنوع است؛ اما از طریق قانونی، تولید ثروت از نظر شارع مقدس و از نظر اسلام، مطلوب و مستحسن است. ثروت را تولید کنند، منتها در کنارش اسراف نباشد. اسلام به ما می‌گوید ثروت تولید کنید، اما اسراف نکنید. مصرف‌گرایی افراطی مورد قبول اسلام نیست. آنچه که از تولید ثروت به دست می‌آورد، باز همان را وسیله‌ای برای تولید ثروت دیگر بکنید. مال را نه به صورت راکد و نازا در بیاورید - که در اسلام اسمش کنز کردن است - نه به صورت ولخرجی و ولنگاری در مصرف مال، آن را صرف در چیزهای غیر لازم زندگی کنید؛ اما با توجه به اینها، ثروت را برای خودتان تولید کنید. ثروت آحاد مردم، ثروت عموم کشور است؛ همه از آن سود می‌برند.

■ آیا نمونه ای بارز و الگو در اسلام در این زمینه وجود دارد؟

شما در کتابها خوانده‌اید، از اهل منبر و خطبا هم زیاد شنیده‌اید که امیرالمؤمنین اوقاف زیادی دارد. گفت: «لا وقف إلا فی ملک». کسی که مالک نباشد، که نمی‌تواند وقف کند. این اوقاف، املاک امیرالمؤمنین بود. امیرالمؤمنین این املاک را به ارث که نبرده بود، با کار خودش تولید کرده بود. در آن وضعیت کم آبی، امیرالمؤمنین چاه می‌زد، آب بیرون می‌آورد، مزرعه درست می‌کرد، آباد می‌کرد، بعد وقف می‌کرد. بعضی از اوقاف امیرالمؤمنین، قرن‌ها مانده. پیداست چیزهای ریشه‌دار و مهمی بوده است. به هر حال، تولید ثروت چیز خوبی است. اگر چنانچه در این تولید ثروت، قصد صرف او برای کار خیر، برای پیشرفت کشور، برای کمک به



محرومان باشد، حسنه هم هست، ثواب هم دارد.
■ برخورد نظام اسلامی و مسؤلان با افراد ثروتمند چگونه است و این افراد در ایران چه ویژگیهایی دارند؟

مردم ما اهل خیرند. این واقعیت را نباید نادیده گرفت. مال حالا هم نیست، از سابق هم همین طور بوده، حالا هم بیشتر هست. این نهضت مدرسه‌سازی - خیرین مدرسه‌ساز - همین قدر که راه باز می‌شود برای اینکه مردم بیایند و کمک کنند، شما ببینید چقدر مردم کمک می‌کنند. این نهضت درمانگاه‌سازی و بیمارستان‌سازی که از قبل از انقلاب در مشهد راه افتاد؛ الان شاید بهترین بیمارستان مشهد یا یکی از بهترین بیمارستانهای مشهد، بیمارستانی است که با همین پولهای مردم اداره می‌شود و همین خیرین آن را اداره می‌کنند. در جاهای دیگر هم هست. اخیراً چند ماه قبل از این، از شیراز کسانی آمده بودند پیش من که اینها راجع به کارهای بهداشتی و درمانی کارهای بسیار باارزش و مفیدی انجام داده بودند، که ما توصیه کردیم این را با جاهای دیگر هم در میان بگذارید و انجام دهید. مردم این جورند. این کارها را افراد خیر، افراد ثروتمند می‌توانند انجام بدهند. همین جا ما در تهران بیمارستانی داشتیم که شاید مرجع چقدر از مجروحین تظاهرات بود؛ همین بیمارستان بازرگانان. یک عده خیر این کارها را انجام می‌دهند؛ راه می‌اندازند. مردم ما این جورند؛ اهل خیرند. و کسانی که حالا اوقافی دارند و این همه وقف، این همه کارهای فی سبیل الله، اینها ناشی از وجود ثروت افراد است. ما با این بد نیستیم. چرا بیخود در بیرون منعکس بشود که نظام اسلامی و مسؤلان کشور، تا کسی بخواهد یک مقدار پول به دست بیاورد، احمه‌اشان را

باید مقررات را شفاف کنند، راهها را کوتاه کنند، پیچ و خمهای اداری را کم کنند. اینکه اختیار یک فعالیت اقتصادی ناگهان برگردد به یک مأموری که پشت فلان میز و در فلان اداره نشسته، که او بتواند بگوید آری یا نه، و سرنوشت یک کار را فراهم بکند، این بزرگترین ضربه است.

در هم می‌کنند؛ احساس بغض و نفرت نسبت به او می‌کنند. این جوری نیست؛ واقعیت این نیست.

■ یکی از اساسی ترین شرطهای لازم برای توفیق برنامه‌ها و سیاستهای مختلف در سطح جامعه همراهی مردم است، سیاستهای ابلاغی نیز نه تنها از این امر مستثنی نیست بلکه ضرورت آن بیشتر است، به این منظور چه راهکاری پیشنهاد می‌کنید؟

کاری که لازم است انجام بگیرد، اطلاع‌رسانی به مردم است. مردم باید در جریان جزئیات کار قرار بگیرند و بدانند که در کجا می‌توانند فعالیت اقتصادی کنند، کجا می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند، چه‌طور می‌توانند در یک تعاونی

وارد شوند. غالب مردم بی‌اطلاعند. سال گذشته وقتی این سیاستها از تلویزیون اعلام شد و گفته شد، بعضی از خواص شنیدند، خوشبخت شدند؛ خوشحال شدند. اغلب مردم که ما می‌دیدیم، اصلاً توجه نداشتند که موضوع چیست! باید برای مردم تشریح بشود؛ تبیین بشود؛ بدانند چگونه می‌توانند از کمک دولت استفاده کنند، بخش خصوصی از چه امتیازاتی

از آخرین ابلاغ ما - یعنی ۸۵/۴/۱۲ - تا امروز، ماههای زیادی می‌گذرد و از تاریخ اول ابلاغ، یعنی اول خرداد ۸۴ تا امروز، یک سال و نیم بیشتر می‌گذرد. پیشرفتها در این باب رضایت‌بخش نیست

می‌تواند استفاده کند، دولت چه کمکهایی می‌تواند به او کند؛ چه حمایتهایی می‌کند، در کجاها می‌تواند وارد بشوند و سرمایه‌گذاری کنند.

■ وظایف قوای سه گانه و بخشهای مختلف مدیریتی در قبال اجرای سیاستهای ابلاغی اصل ۴۴ چه می‌باشند؟

همه توجه کنند که در بخشهای خودشان اجرای این کار را تسهیل کنند؛ هم در مجلس قوانین و مقرراتی بایستی تدوین شود یا تغییر پیدا کند، هم در بخشهای مختلف دولت بایست مدیران و مسؤلان به این کار اهتمام بورزند و با جدیت آن را دنبال کنند، و هم در قوه قضائیه، که ما جلسهای که با آقایان داشتیم، از قوه قضائیه خواستیم که دادگاههای تخصصی برای رسیدگی به این مسائل و دفاع از حقوق مالکیت افراد تشکیل بدهند. هم در این زمینه دادگاه تخصصی لازم است، هم در زمینه مسائل مربوط به مفاسد اقتصادی. در هر دو جا بخشهای تخصصی و دادگاههای تخصصی لازم است که کسانی باشند که با اهتمام کامل مسئله را دنبال کنند

■ آیا کارهای انجام شده از زمان ابلاغ تا به حال رضایت بخش بوده است؟

از آخرین ابلاغ ما - یعنی ۸۵/۴/۱۲ - تا امروز، ماههای زیادی می‌گذرد و از تاریخ اول ابلاغ، یعنی اول خرداد ۸۴ تا امروز، یک سال و نیم بیشتر می‌گذرد. پیشرفتها در این باب رضایت‌بخش نیست... اما اینکه گفته شود در مبارزه با فساد یا اجرای اصل چهل و چهار هیچ کاری انجام نگرفته، نه؛ این طوری نیست. کارهای زیادی انجام گرفته و دارد انجام میگردد. من به آنچه که انجام گرفته، قانع نیستم، از مسؤلان بالای کشور مرتب سؤال میکنم و از آنها میخواهم و مطالبه میکنم. لیکن این به معنای آن نیست که آنها در این جهت حرکت نمیکنند، نه؛ واقعاً کار دارد انجام میگردد و پیشرفتهای خوبی هم داشته‌اند؛ بخصوص در این یک سال اخیر، واقعاً کارهای خوبی انجام گرفته است.

■ دلایل عدم اهتمام کافی از سوی مسؤلین و دست اندرکاران نسبت به سیاستهای ابلاغی را چه می

دانید؟

یا به خاطر اینکه توجه لازم به اهمیت این سیاستها و آنچه که در پس زمینه ابلاغ این سیاستها دیده شده بود - یعنی یک تحول عظیم اقتصادی در کشور و ابعاد آن - نشده؛ یا به خاطر اینکه از مسئله، برداشتهای مختلفی هست. افراد هر کدامی در دستگاههای مختلف یا حتی در یک دستگاه، از بندهای مختلف این سیاستها و از مقاصد آنها و از نتیجهای که باید بر اجرای آن سیاستها عاید بشود، متفق القول نیستند؛ درک واحدی و برداشت واحدی ندارند.

■ بعضی از اشخاص در مصاحبه‌ها و مقالات خود اینچنین وانمود می‌کنند که اجرای سیاستهای اصل ۴۴ چوب حراج زدن به مال دولت است، نظر حضرت تعالی در این مورد چیست؟

البته این سیاستها این‌طور که من شرح دادم، واضح است که به معنای چوب حراج زدن بر ثروت دولت نیست؛ به هیچ‌وجه ما مایل نیستیم و اجازه نمی‌دهیم که ثروتهای دولت که مال مردم است، چوب حراج زده شود و از بین برود؛ نه، این تبدیل این موجودی کم‌بازده و بی‌اثر یا کم‌اثر به یک موجودی پراثر و پیش‌برنده اقتصاد کشور است و البته در کنار این، سوق دادن ثروتهای عمومی، یعنی بیت‌المال، به سمت اقشار محروم است.

■ در روند اجرایی شدن سیاستها، برای از بین بردن زمینه‌های تخلف و فساد چه کاری باید صورت گیرد؟
 باید مقررات را شفاف کنند، راهها را کوتاه کنند، پیچ و خمهای اداری را کم کنند. اینکه اختیار یک فعالیت اقتصادی ناگهان برگردد به یک مأموری که پشت فلان میز و در فلان اداره نشسته، که او بتواند بگوید آری یا نه، و سرنوشت یک کار را فراهم بکند، این بزرگترین ضربه است. این مأمور در معرض خطر است؛ در معرض لغزش است. باید کاری کرد که این، پیش نیاید. باید قواعد، قوانین و روشها اصلاح شود و بر اساس آنچه که در اینجا هست، تغییر پیدا کند.

■ پیگیری و جدیت در مبارزه با مفاسد اقتصادی چه کمکی به اجرای سیاستهای ابلاغی می‌نماید؟

اگر مبارزه‌ی با مفاسد اقتصادی به همان صورتی که بنده گفتم، با همان جدیت انجام بگیرد، کمک بسیار مهمی به همین فعالیت اقتصادی و نشاط سالم اقتصادی خواهد کرد. این دو تا مکمل همند. همان چند سال پیش که بنده اول‌بار راجع به مفاسد اقتصادی صحبت کردم، بعضی از مسئولان در ذهنشان این بود که ممکن است مشکلاتی ایجاد کند. من گفتم نه، آن کسانی که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند، خوشحال می‌شوند از اینکه یک عده کلاش و قلاش و کلاه‌بردار و پشت‌هم‌انداز و قانون‌شکن در میدان نباشند، راهها را نبندند، اینها را بدنام نکنند. ما این دو تا را نه فقط با همدیگر منافی نمی‌دانیم، بلکه بنده اینها را مکمل هم می‌دانم؛ معتقدم که مبارزه‌ی با فساد و ریشه‌کنی فساد، بستر ساز رقابت سالم اقتصادی است و کمک به همین

سیاستهای اصل ۴۴ است که ابلاغ کردیم.

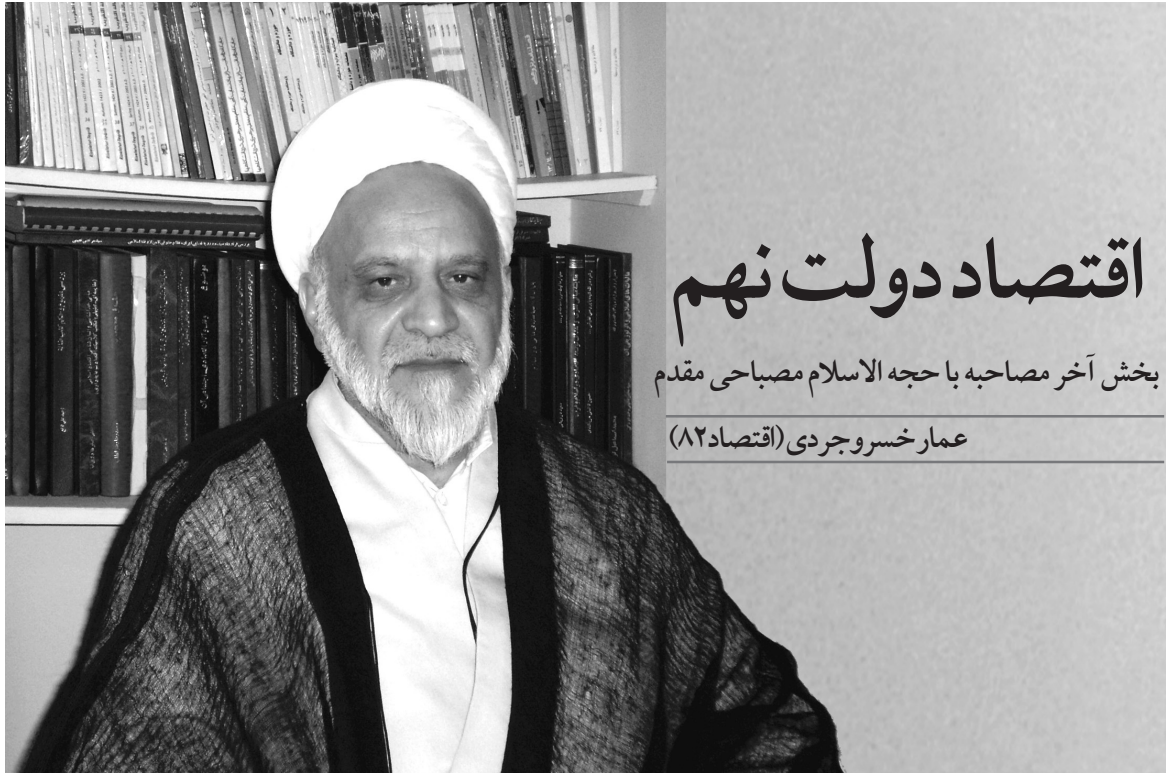
■ شفاف سازی مقررات در جلوگیری از بروز فساد چه نقشی می‌تواند ایفا کند؟

کار مهمی که باید انجام بگیرد شفاف‌سازی مقررات است. مقررات را بایستی شفاف کرد که جای توجیه و تبدیل و تعبیر و تأویل نباشد. راههای تقلب بسته بشود، جلوی کسانی که اهل سوءاستفاده از ظواهر قوانین هستند، گرفته شود.

این را هم من می‌خواهم جداً به دوستان عرض بکنم که این کار، یعنی اجرای این سیاستها، مخالفان و دشمنانی دارد. چون دشمنانی دارد، پس تلاش در اجرای این سیاستها یک نوع جهاد است.

■ غیر از بعضی از دوستان که به اشتباه و از روی جهالت با این سیاستها مخالفند، آیا دشمنان دیگری نیز وجود دارد و انگیزه آنان از دشمنی چیست؟

این را هم من می‌خواهم جداً به دوستان عرض بکنم که این کار، یعنی اجرای این سیاستها، مخالفان و دشمنانی دارد. چون دشمنانی دارد، پس تلاش در اجرای این سیاستها یک نوع جهاد است. هر تلاشی که در مقابله‌ی با دشمنان باشد، مجاهدت است و در عرف اسلامی اسمش جهاد است؛ اگر با اخلاص و درست انجام بگیرد. دشمنانش چه کسانی هستند؟ بعضی از مخالفان نمی‌خواهند با اجرایی شدن این سیاستها، کمبودها برطرف شود. اصلاً نمی‌خواهند نظام اسلامی آن شکوفایی و پیشرفت اقتصادی و رونق اقتصادی را داشته باشد. روی فشار اقتصادی بر کشور برنامه‌ریزی کرده‌اند. خارجیا از این قبیلند. الان ببینید، همین‌طور مثل یک گرگ گرسنه‌ای که نشسته و منتظر است که فرصتی پیدا کند و حمله کند، منتظرند بتوانند یک اقدام اقتصادی بکنند. البته از اقدام نظامی و اجتماعی مایوسند؛ خودشان هم می‌گویند که باید فشار اقتصادی بیآوریم. می‌خواهند فشارهای اقتصادی را زیاد کنند. یکی از چیزهایی که می‌تواند این فشارها را کم کند، یا تأثیرش را بسیار کم کند، همین اجرای این سیاستهاست. آنها مایل نیستند این سیاستها اجرا شود. ممکن است در داخل هم دوستان و طرفدارانی داشته باشند. بعضی - که این دیگر مربوط به داخلی‌هاست - در وضع کنونی منافعی دارند؛ ذی‌نفع‌اند و دلشان نمی‌خواهد این وضعیت به هم بخورد. از اینکه اجازه یک مدیر، گردش قلم یک مدیر یا یک مسئول، حالا در هر جا - چه در قوه‌ی مجریه، چه در قوه‌ی قضائیه، چه در مجلس - توانایی این را داشته باشد که خیلی از این چیزها را جابه‌جا بکند، این را مغتنم می‌شمارند و نمی‌خواهند از بین برود. بنابراین، اینها هم جزء مخالفان هستند. حالا بعضی‌ها هم شاید باشند که نخواهند متصدی این کار بزرگ، دولت کنونی باشند. البته این‌را احتمال می‌دهیم، یقین نداریم.



اقتصاد دولت نهم

بخش آخر مصاحبه با حجه الاسلام مصباحی مقدم

عمار خسروجردی (اقتصاد ۸۲)

موجب می‌شود که در میان طرفداران دولت نیز مخالفت‌هایی جدی با برنامه‌ها و تصمیمات اقتصادی رئیس‌جمهور و تیم اقتصادی ایشان به وجود آید.

نکته‌ی دیگر این است که دولت می‌باید برنامه‌های خود را به صورت جامع ارائه کند و نگاه یک جانبه به مسائل اقتصادی نداشته باشد و آثار تصمیمات خود را در نظر بگیرد و حرکت شتاب آمیز برای دست یافتن به اهداف خود نداشته باشد که احیاناً آثار آن قابل کنترل نیست. علاوه بر این می‌بایست برای دست یافتن به ارمان‌ها و شعارهای اعلام شده انتظارات مردم در حد قابل قبولی مورد توجه قرار بگیرد و به این انتظارات دامن زده نشود.

اما متأسفانه شاهد هستیم در بودجه‌ی ۱۳۸۵ دولت می‌خواهد شتابی بسیار زیاد را در توسعه‌ی عمرانی و اشتغال به یک باره به وجود آورد و به صورت گسترده از طرح‌های زود بازده

ما در حال حاضر سالانه حدود پنج تا شش میلیارد دلار بنزین وارد می‌نماییم

حمایت کند تا اینکه اشتغال در جامعه زیاد شود و تولید سریع تر وارد بازار شود و سطح رفاه عمومی افزایش پیدا کند. اما غافل از اینکه ممکن است، این رویکرد موجب تزریق پول به سیستم بیش از حد نیاز شود و به جای ایجاد اشتغال تورم افزایش پیدا کند. عاقبت سرکنگین صفرافزود.

عدم توجه به دیدگاه کارشناسی کارشناسان علاقه مند به دولت که انتقادات خود را در همان زمان تصویب بودجه‌ی ۸۵ مطرح می‌کردند موجب شد آثار و نتایج نامناسبی در نیمه‌ی

صدر: خوب وارد ارزیابی دولت نهم بشویم؛ دولتی که بسیاری باور نداشتند که چنین دولتی ظهور کند. دولت نهم دارای شعارهای عدالت طلبانه است. لطفاً ارزیابی خود را از وضعیت اقتصادی دولت نهم و تیم اقتصادی این دولت، ارائه بدهید.

آن چه که در این دولت چشمگیر است شعارهای مثبت دولت است که سبب شد مردم به آقای احمدی نژاد رای بدهند. یکی از شعارها برقراری عدالت در عرصه‌های مختلف بود که یکی از این عرصه‌ها اقتصاد است. شعار بعدی شعار رفع تبعیض است و شعار دیگر مبارزه با فساد است که خود نوعی از برقراری عدالت است.

شعار دیگر دولت این بود که کارها به افرادی واگذار شود که توانایی انجام کار دارند و وابستگی‌های سیاسی سبب انتخاب ایشان نشده است و توجه به کسانی که تاکنون از عرصه‌ی قدرت کنار بوده اند.

رویکرد آقای دکتر احمدی نژاد و دولت ایشان در عرصه‌ی اقتصاد رویکردی مبتنی است بر همین رویکرد نیز سبب شده است که آرمان‌های اولیه‌ی انقلاب زنده بشود و امیدهای مردم زنده بشود و سعی و تلاش دولت نیز این است که این رویکرد را در مقام عمل پیاده نماید.

اما در مقام عمل ناهماهنگی‌هایی پدید می‌آید که این رویکرد را در عمل با مشکل مواجه می‌کند یکی از این ناهماهنگی‌ها این است که دولت از ظرفیت کارشناسی که می‌تواند از آن استفاده کند بهره نمی‌گیرد و به استفاده از بخش کوچکی از ظرفیت کارشناسی که در اختیار دارد بهره می‌گیرد و تصمیم‌های مهم اقتصادی را شخصاً می‌گیرد و همین امر

دوم سال ۱۳۸۵ بروز کرد اعلام پرداخت ۱۰۰۰۰۰۰۰ تومان برای خرید مسکن و شعار پرداخت ۳۰۰۰۰۰۰ تومان برای پرداخت رهن مسکن علاوه بر عامل تزریق شدید نقدینگی موجب جهش قیمت خرید و اجاره‌ی مسکن شد و این به نفع افراد بدون خانه نبود و به شدت به زیان ایشان تمام شد. رویکرد تثبیت قیمت‌ها که از مجلس هفتم آغاز شد رویکرد

مسئله‌ی توزیع سهام عدالت از کارهای مثبتی است که در دولت جدید روی داده است و انشاء... آینده خوبی برای این سیاست پیش بینی می‌شود.

خوبی بود این سیاست می‌بایستی همراه با یک بسته‌ی سیاستی - اقتصادی دنبال شد. اما متأسفانه این بسته‌ی سیاسی در کنار این رویکرد اعمال نشد البته دولت همچنان رویکرد تثبیت قیمت‌ها را ادامه داده است ولی این رویکرد تثبیت قیمت‌ها منجر به کاهش تورم نشد بلکه با توجه به نبود سیاست‌های هماهنگ تنها دولت و شرکت‌های دولتی دچار خسارت شدند که در این میان شرکت برق بیشترین خسارت را دید و در سال ۱۳۸۵ حدود ۱۰۰۰ میلیارد تومان از مجلس برای سرمایه‌گذاری کمک گرفت و در حال حاضر در مسئله‌ی قیمت بنزین و گازوئیل ما با ناهماهنگی میان رویکرد تثبیت قیمت و حل مشکل رشد مصرف رو به رو شده ایم. از یک طرف رویکرد تثبیت قیمت را دولت تعقیب می‌کند و از طرف دیگر ما شاهد افزایش بسیار زیاد مصرف بنزین و گازوئیل هستیم که این امر منجر به افزایش واردات این دو محصول شده است به طوری که ما در حال حاضر سالانه حدود پنج تا شش میلیارد دلار بنزین وارد می‌نماییم و حال آنکه اگر مجموعه‌ی سیاست‌ها با هم هماهنگ بود و استفاده از نظر کارشناسی کارشناسان علاقه مند به دولت صورت می‌گرفت کار به اینجا نمی‌انجامید.

مسئله‌ی توزیع سهام عدالت از کارهای مثبتی است که در دولت جدید روی داده است و انشاء... آینده خوبی برای این سیاست پیش بینی می‌شود. اما موفقیت این کار نیازمند رعایت یک بسته‌ی سیاستی دیگر است به گونه‌ای که شرکت‌های شامل واگذاری سهام عدالت: ۱- خصوصی سازی شوند ۲- مدیرانی تربیت شوند تا این شرکت‌ها را اداره کنند. ۳- سهام عدالت به گونه‌ای مدیریت شود که سهم آن در مجموع سهام شرکت‌های خصوصی سازی شده روند نزولی را طی نکنند و در آینده دوباره صاحبان سهام عدالت دچار فقر و تبعیض نشوند. انشاء... در قالب لایحه‌ی اصل ۴۴ که از سوی دولت به مجلس آمده است این بسته‌ی سیاسی لحاظ شود و توسط دولت عملیاتی شود و ان شاء... با این امر آینده‌ی خوبی در انتظار طرح واگذاری سهام عدالت و واگذاری شرکت‌های دولتی و میدان دادن به سرمایه‌گذارهای بخش غیردولتی مورد انتظار است.

رویکرد جدید دولت در بودجه‌ی ۸۶ بری افزایش حقوق کارکنان خود به صورت پلکانی رویکرد مثبتی است که هر چند ممکن است در ابتدا عده‌ای را ناراضی کند اما در بلند مدت به نفع تمام مردم و به خصوص اقشار کم درآمد مردم

خواهد بود و احساس رضایت در عامه مردم به وجود خواهد آورد.

صدر: پس حضرت عالی قائل هستید که دولت در بودجه‌ی سال ۱۳۸۶ بسیاری از رویکردهای اقتصادی خود را اصلاح کرده است؟

بله، تا حدودی همین طور است همین که بودجه‌ی سال ۱۳۸۶ نسبت به بودجه‌ی سال ۱۳۸۵ حالتی انقباضی دارد و امیدواریم که در سال ۱۳۸۶ دیگر شاهد ارسال متمم‌هایی چون چهار متمم سال ۱۳۸۵ نباشیم.

صدر: حضرت عالی آینده‌ی تعامل اقتصادی دولت و مجلس را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

می‌توان گفت: این طور نیست که دولت برای تصمیم‌گیری‌های خود از نظرات کارشناسی کارشناسان علاقه مند به خود در مجلس و یا خارج از مجلس بهره بگیرد اما زمانی که با مشکلات مواجه می‌شود بازگشتی می‌کند و نتیجه هماهنگی میان دیدگاه‌های کارشناسی دولت و مجلس می‌شود و انتظار این است که در آینده این هماهنگی‌ها افزایش پیدا کند.

صدر: پس می‌توان گفت که حضرت عالی آینده‌ی مثبتی را در تعامل میان دولت و مجلس در عرصه‌ی اقتصادی پیش بینی می‌کنید؟

بله، آینده‌ی مثبتی را پیش بینی می‌کنم.
 صدر: لطفاً ارزیابی خود را از تیم اقتصادی دولت ارائه بدهید.

ما در راس تیم اقتصادی دولت جناب آقای دکتر داوودی را به عنوان معاون اول رئیس جمهور داریم که ایشان استادی قوی و دارای تجربه‌ی مدیریتی است و طبعاً وجود ایشان انتظارات بالاتری در زمینه‌ی اقتصادی از دولت وجود دارد. وزیر امور اقتصاد و دارایی، جناب آقای دکتر دانش جعفری،

از لحاظ عملکرد، در حال حاضر تیم دولت هماهنگ عمل می‌کند ولی از لحاظ فکری و دیدگاه‌ها تیم همچنان ناهماهنگ است.

دیدگاه‌های متفاوتی را با آقای دکتر رهبر، که ریاست سابق سازمان مدیریت و برنامه ریزی بود داشت و همین امر هم موجب پدید آمدن ناهماهنگی‌هایی در سال اول شد. اما روحیه‌ی جناب آقای دکتر دانش جعفری، روحیه‌ی هماهنگ شدن و سازگار شدن با دیدگاه‌هایی است که رئیس جمهور تعقیب می‌کند.

آقای دکتر رهبر، با توجه به تصمیم دولت در مورد واگذاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی در استانها به استاندارها نتوانست به همکاری خود با دولت ادامه بدهد. آقای دکتر شیبانی هم که مدیر باقی مانده از دوره‌ی پیشین است هر چند دیدگاه‌های متفاوتی با آقای دکتر احمدی نژاد دارد ولی سازگار نشان می‌دهد و در مقام عمل تسلیم سیاست‌های دولت می‌شود.

از لحاظ عملکرد، در حال حاضر تیم دولت هماهنگ عمل می‌کند ولی از لحاظ فکری و دیدگاه‌ها تیم همچنان ناهماهنگ

است. البته ریاست جدید سازمان مدیریت و برنامه ریزی اصلاً چهره ای اقتصادی نیست و از این جهت موضع متفاوت تازه ای در تیم اقتصادی دولت به وجود نیامده است.

صدر: بسیاری قائلند که دیدگاه اقتصادی رئیس جمهور، دیدگاه اقتصادی مجلس است اما دیدگاه تیم اقتصادی ایشان این گونه نیست. آیا این تحلیل درست است؟

من نمی توانم به صورت یکپارچه و جامع چنین نظری را ارائه بدهم چون آقای دکتر داوودی از لحاظ دیدگاهها هماهنگ با مجلس است و آقای دکتر دانش جعفری با این که دیدگاههای متفاوتی دارد اما در مقام عمل خود را با دیدگاههای رئیس جمهور سازگار می کند و از این جهت بنده تفاوت جدی بین دیدگاههای رئیس جمهور و تیم اقتصادی ایشان نمی بینم اما از لحاظ عملکرد تفاوتهایی با دیدگاه تیم اقتصادی مجلس دیده می شود و این ناهماهنگی حتی در مورد بخشی از تصمیمات و دیدگاههای اقتصادی آقای رئیس جمهور دیده می شود مانند ستاب در سرمایه گذاریهای عمرانی و همچنین استفادهی بیش از حد از حساب ذخیره ای ارزی و این دو امر به شدت مورد انتقاد تیم اقتصادی مجلس است.

ما بیشتر انتظار داشتیم که دولت آقای احمدی نژاد از طریق صرفه جویی ها، هزینه های خود را کاهش بدهد و تغییر نسبت سرمایه گذاری عمرانی و هزینه های جاری را از این راه به وجود آورد و نه اینکه این امر از طریق تزریق دلارهای نفتی و تبدیل این دلارها به ریال، انجام بشود.

صدر: پس می توان گفت که حضرت عالی معتقد هستید که جناب آقای رئیس جمهور کم کم در بخشی از تصمیمات اقتصادی خود تجدید نظر می کند و ان شاء الله... تعامل میان مجلس و دولت در آینده بهتر خواهد بود؟

بله، درست است و امید به آینده در میان نمایندگان مجلس بیشتر شده است.

اگر صلاح می دانید وارد واکاوی جیانهای منتقد در دوارن آقای مهندس موسوی بشویم و ببینیم که این جریانهای منتقد چه کسانی هستند و چرا مخالف دیدگاههای اقتصادی دولت بودند؟

جریانهای منتقد چند دسته بودند:

۱- یک دسته فعالان بازار بودند که معتقد بودند دولت نگاه دولتی کردن اقتصاد را دنبال می کند و این کار در بلند مدت به زیان بازار و به زیان اقتصادی ملی است غالباً این دیدگاه از تجربیات گذشته برای فعالان بازار پدید آمده بود و معتقد بودند که دولت باید به بخش خصوصی اعتماد کند و میدان بدهد و از فعالیت هیا این بخش حمایت کند و موضع گیریهای بعدی نشان داد که این دیدگاه کم کم مورد توجه دولت قرار گرفت و موضع بخش خصوصی را در اقتصاد تقویت کرد.

۲- گروهی دیگر از منتقدان دانشگاهیان و کارشناسان اقتصادی بودند که معتقد به اقتصاد لیبرال بودند و با استفاده از تجربهی جهانی اقتصاد سرمایه داری اقلن اقتصاد را تنها تجربهی اقتصادی موفق می دانستند که نمی باید در مقابل آن نسخهی دیگری را ارائه کرد و باید نقشهی تجربه شدهی این اقتصاد را به صورت کامل اجرا نمود و از آن عدول نکرد. این دیدگاه دوم بعدها در دولت آقای هاشمی رفسنجانی حاکم شد. تفاوت این دیدگاه با دیدگاه فعالان بازار در این بود که

امام (ره) تمرکز گرای اقتصادی دولت را به شدت مورد انتقاد قرار می دادند و این همان موضع مقام معظم رهبری، در دوران ریاست جمهوری بود.

فعالان بازار الگویی نظری برای تعقیب مسائل بازار در نظر داشتند ولی این گروه الگوی نظری برای دیدگاههای خود انتخاب کرده بودند که متفاوت از الگوی نظری مورد قبول دیدگاه دولت آقای مهندس موسوی بود.

۳- در این بین کسانی هم بودند که نه جزء فعالان بازار محسوب می شدند و نه همراه با اقتصاددانان لیبرال بودند، بلکه از موضعی کاملاً مستقل و متفاوت و به عبارت دیگر از یک دیدگاه مستقل کاملاً اسلامی به مخالفت با مواضع دولت می پرداختند مانند موضع جامعهی روحانیت مبارز و شخص آیات... مهدوی کنی. ایشان معتقد بودند که دولت می بایست همت خود را معطوف به تغییر یک سیستم اقتصادی سرمایه داری وابسته به یک سیستم اقتصاد اسلامی نماید و این کار نیازمند به یک کار تحقیقاتی است ولی آن چه که بین است این است که الگوی مورد تبعیت دولت و الگوی مورد نظر اقتصاددانان لیبرال، الگویی نیست که مد نظر اقتصاد اسلامی باشد. این گروه نیز یک گروه منتقد بودند.

صدر: ظاهراً در خود کابینهی آقای موسوی هم یک جریان منتقد به خصوص در بحث قانون کار شکل گرفت، لطفاً در این زمینه توضیح بدهید.



معتقد نیستیم که آن دیدگاه، دیدگاه منتقدی بود بلکه قانون کار به صورتی شکل گرفت که مد نظر دولت بود.

صدر: پس دیدگاه کسانی مثل آقای دکتر توکلی که منتقد بودند و به خصوص در بحث قانون کار، انتقاد می کردند چگونه دیدگاهی بود؟ حتی برخی دیگر از وزراء نیز منتقد بودند؟

من تصور می کنم، دیدگاه های این منتقدین متفاوت بود.

آقای عسکراولادی، جزء فعالان اقتصادی بازار بود.

آقای دکتر توکلی جزء طیف علاقه مندان به مباحث اقتصاد اسلامی است. با اینکه ایشان کارشناسی اقتصادی بود ولی دیدگاه اقتصاد لیبرال را نداشت. گرایش های ایشان به دیدگاه مستقیلین نزدیک تر بود.

انتقاد آقایان نسبت به قانون کار، این بود که این قانون به جای اینکه، اشتغال را رونق بدهد آن را با مشکل مواجه می کند و بعدها هم همین اتفاق رخ داد. بعدها این قانون طمرح شد که کارگاه های زیرپنچ نفر از شمول قانون کار خارج شوند و

نظر امام این بود که اگر کسی مسئولیت پذیرفته و کارها را به عهده گرفته است، باید از او حمایت کرد و تا زمانی که امکان دارد، نباید تزلزل و بی ثباتی در تصمیمات او پدید آید.

زمینه را برای جذب نیروهای کار فراهم آورند. اکنون نیز، این بحث مطرح است که اگر امروز، قانون کار اسلام شود، زمینه برای کاهش بیکاری فراهم می شود.

صدر: بسیاری قائلند که موضع حضرت امام موضع دفاع از قانون کار بوده است. آیا واقعا این گونه بود یا اینکه این نظر سوء استفاده ی سیاسی طرفداران قانون کار از آن است؟

اصولا نظر حضرت امام حمایت اساسی از دولت بود و آن چه را که نظر کارشناسی پذیرفته شده بود مورد تأیید حضرت امام قرار می گرفت مگر مواردی را که خصوصا نظر می دادند از این جهت قانون کار را که حاصل کار کارشناسی طیف وسیعی از کارشناسان دولت بود مناسب می دانستند اما اصولا بنای حمایت از دولت را داشتند، در مقابل کسانی که قائل بودند که قانون کار باید یک تحول اساسی پیدا کند، موضع گرفتند. این گروه منتقد با نگاهی افراطی معتقد بودند که رابطه ی بین کارگر و کارفرما باید براساس عرضه و تقاضای نیروی کار و دستمزد تعیین شود و دولت برای حمایت از کارگر در برابر کارفرما، دخالت نکند امام در مقابل این دیدگاه موضع گرفتند و از دولت و قانون کار حمایت می کردند.

صدر: آیا این جریان منتقد موفق به تغییری در فضای اقتصادی آن زمان بودند؟

خیر، ظاهرا موفق نبودند. ضمنا به این نکته هم اشاره کنم که امام (ره) غالبا در مقابل کسانی که اشکال فقهی به قانون کار می کردند و می گفتند این قانون آزادی عمل فالت اقتصادی را محدود می کند و این خلاف شرع است. امام در مقابل اینها نیز موضع گیری می کردند و معتقد بودند که دولت می تواند برای

رعایت مصالح نظام و مصالح عمومی در روابط بین کارگر و کارفرما مداخله کند و قانون وضع کند. بنابراین اشکال امام به این دیدگاه اشکالی کلی بود و این گونه نبود که امام نسبت به جزئیات قانون کار اظهار نظر کنند بعضی اشکالات، اشکالاتی به بعضی از مواد قانون کار بود و امام در مقابل این اشکالات موضعی نمی گرفتند.

صدر: در دوران مهندس موسوی، مقام معظم رهبری، به عنوان رئیس جمهور وقت دیدگاه های متفاوتی داشتند. بسیاری قائلند که امام نظر آقای مهندس موسوی را ترجیح دادند، آیا این گونه بود؟

خیر، بنده موافق نیستیم. ایشان موضعی داشتند که با موضع مقام معظم رهبری سازگاری بیشتری داشت. از جمله اینکه، دولت نمی تواند در همه ی مور خود تصدی گری نماید و دولت به تنهایی توانایی اداره ی امور اقتصادی کشور را ندارد و امام (ره) تمرکز گرایی اقتصادی دولت را به شدت مورد انتقاد قرار می دادند و این همان موضع مقام معظم رهبری، در دوران ریاست جمهوری بود. ولی امام موضع حمایت از دولت را به صورت کلی داشتند. نظر امام این بود که اگر کسی مسئولیت پذیرفته و کارها را به عهده گرفته است، باید از او حمایت کرد و تا زمانی که امکان دارد، نباید تزلزل و بی ثباتی در تصمیمات او پدید آید. این نگاه کلان موجب حمایت کلی از دولت می شد ولی هرگز جلوه ای از حمایت از دولت رد مقابل رئیس جمهوری، ملاحظه نشد.

صدر: بسیاری قائلند که دیدگاه چه مد نظر در دولت آقای موسوی، صبغهی اسلامی چندانی نداشت و بیشتر تحت تاثیر فضای چه مارکسیستی حاکم بر این زمان بود و بسیاری نیز این دیدگاه را بیشتر منتسب به آقای بهزادی نبوی می دانند تا شخص نخست وزیر که آقای مهندس موسوی بودند آیا این نظر درست است؟

من چنین قضاوت تندی را نمی پسندم. درست است که فرد شاخص در کابینه ی آقای مهندس موسوی در مسائل اقتصادی آقای بهزاد نبوی بود ولی:

اولا خود آقای میر حسین موسوی هم بدون موضع نبود و در مقابل دیدگاه های آقای نبوی منفعل نبود. سخنرانی ها و مصاحبه های ایشان نشان می داد که با رویکرد اسلامی به مسائل اقتصادی نگاه می کند ولی چون آقای بهزاد نبوی سر تیم اقتصادی ایشان بود تصمیمات دولت تحت تاثیر دیدگاه های آقای بهزاد نبوی هم صورت می گرفت. علاوه بر این در کابینه ی آقای موسوی صاحب نظران اقتصادی دیگر هم بودند که حضور ایشان هم در تصمیم گیری های اقتصادی دولت، بی تاثیر نبود ولی دیدگاه غالب در تصمیم گیری ها همان موضع آقای بهزاد نبوی بود. ما نمی توانیم این دیدگاه غالب را در دولت آقای موسوی چه مارکسیستی و یا دیدگاه های محض اسلامی بدانیم، بلکه این دیدگاه برآیند دیدگاه های موثر در کابینه و البته با نگاه چه دارای گرایشات اسلامی بود.

صدر: از این که وقت خود را به ما دادید بسیار متشکریم.



جهانی سازی و مسایل آن

مجتبی ستاری قهفرخی (اقتصاد ۸۲)

پیدایش نهادهای متعدد بین المللی فراگیر که حوزه‌ی عمل آن‌ها در سراسر دنیا باشد امری بود که در قرن بیستم چندین مرتبه صورت گرفت. سازمان‌هایی همچون بانک بین المللی ترسیم و توسعه که (بعدها به بانک جهانی تغییر نام داد) و صندوق بین المللی پول جزء مهم ترین نهادهای اقتصادی تشکیل شده در قرن بیستم هستند که پس از جنگ دوم جهانی تشکیل شدند.

از آنجایی که حوزه عمل این چنین سازمان‌هایی در سراسر دنیا می‌باشد. در بسیاری موارد و مخصوصاً در مورد کشورهای در حال توسعه در ازای ارائه تسهیلات اجرای سیاست‌هایی را خواستار هستند که با ارائه پیشنهاداتی به سران آن کشورها عملاً در امور داخلی آن‌ها نیز تأثیرمی گذارند. تأثیراتی که می‌تواند سازنده و یا ویرانگر باشند.

انتقادات بسیار زیادی به این دو سازمان قدرتمند جهانی که مقر هر دوی آن‌ها در خیابان نوزدهم واشنگتن روبروی یکدیگر قرار داده شده است وجود دارد. حتی عده‌ای معتقدند

استیگلیتز در این کتاب به بررسی بانک جهانی و صندوق بین الملل پول از ابتدا نموده است سپس به ذکر وظایف هر کدام پرداخته و موارد گوناگونی از تجربه‌های این دو نهاد قدرتمند را در طی سالیان گذشته در کشورهای مختلف بیان می‌کند.

این دو سازمان جزء ابزارهای بی صدا کشورهای پیشرفته به منظور به زانو درآوردن کشورهای دیگر می‌باشند به عبارت بهتر در بسیاری موارد بیش از استفاده از نیروی نظامی با

کمک چنین نهادهایی سعی در ویران نمودن کشور هدف می‌نمایند. ادعایی که اثبات آن بسیار مشکل می‌باشد. یکی از منتقدین این سازمان‌ها جوزف استیگلیتز اقتصاددان برجسته ای امریکایی می‌باشد. وی در شاخه‌های مختلفی از علم اقتصاد از جمله مسائل توسعه دارای سابقه می‌باشد از سال ۱۹۹۳ به عضویت شورای مشاورین اقتصادی کاخ سفید در دولت بیل کلینتون درآمد، در سال ۱۹۹۷ از آنجا به بانک جهانی رفت و مدت سه سال سر اقتصاددان و معاون ارشد بانک جهانی بود. وی در ژانویه سال ۲۰۰۰ بانک جهانی را ترک می‌کند. او در سال ۲۰۰۱ جایزه نوبل اقتصاد را از آن خود کرد.

او پس از این، اقدام به انتشار کتاب «جهانی سازی و مسائل آن» (که به فارسی هم ترجمه شده) نمود. کتابی که طبق پیش بینی خودش انتقادات بسیاری از مسئولین بانک جهانی و صندوق بین المللی پولی را موجب شد. کتابی که به مدت هشت هفته در فهرست پرفروش ترین کتاب‌های امریکا قرار داشته است.

او در این کتاب به بررسی بانک جهانی و صندوق بین الملل پول از ابتدا نموده است سپس به ذکر وظایف هر کدام پرداخته و موارد گوناگونی از تجربه‌های این دو نهاد قدرتمند را در طی

سالیان گذشته در کشورهای مختلف بیان می‌کند. نکته ای که در مورد این کتاب جالب توجه می‌باشد این است که هر چند نام آن جهانی سازی و مسائل آن می‌باشد لیکن طبق ادعای «توماس داوسن» رئیس اداره‌ی روابط خارجی صندوق بین‌المللی پول که کلیه‌ی انتقادات استیگلیتز (فعال سابق بانک جهانی) را وارد دانسته‌است. «در این کتاب ۶۴ بار از جهانی سازی نام برده شده و ۳۴۰ بار نام صندوق به انتقادات برده شده است.»

تکلیف صندوق بین‌المللی پول بسیار مهمتر از بانک جهانی بود. وظیفه‌ی این صندوق، تثبیت اقتصاد جهان بود.

و البته در موارد کمتری بانک جهانی نام برده شده است با مطالعه‌ی کتاب می‌توان به دلایل چنین امری را حدس زد. شاید از دلایل آن بتوان به این مورد اشاره کرد که استیگلیتز به نهادهای مروج جهانی سازی توجه بیشتری داشته است. چه آنکه بهر حال هر امری از جانب عده ای دنبال می‌شود که می‌توان برای شناخت بهتر آن امر به شناخت فعالان و مروجین آن امر اقدام کرد. ضمن آنکه نباید فراموش کرد که طبق توافق نانوشته‌ای معمولاً رئیس بانک جهانی از آمریکا انتخاب می‌شود و رئیس صندوق بین‌المللی از اروپا البته با توضیحی که استیگلیتز راجع به وظایف صندوق و بانک جهانی می‌دهد.

دلایل این امر بهتر مشخص می‌شود که در ادامه با ذکر جملاتی از خود کتاب بهتر آشکار می‌شود او در فصل اول کتاب به ذکر چگونگی تشکیل این دو نهاد و تقسیم کار بین آن‌ها پرداخته است و در بیشتر فصول بعدی به ذکر موارد متعددی از اقدامات این دو نهاد و مخصوصاً صندوق بین‌المللی پول در کشورهای گوناگون پرداخته است که البته تعداد زیادی از این اقدامات سرانجام نتیجه‌ای مورد انتظار نداشته‌اند البته وی احتمال توطئه از جانب این سازمان‌ها را رد می‌کند.

از آنجایی که هدف ما در این نوشته آشنایی بیشتر با این دو نهاد و بحث جهانی سازی می‌باشد به ذکر جملاتی مخصوصاً از فصل اول این کتاب اکتفا می‌کنیم. توجه شود این جملات از سوی کسی عنوان می‌شوند که خود سال‌ها در بالاترین سطوح تصمیم سازی اقتصادی جهان حاضر بوده است:

• «مخالفان جهان سازی، غالباً منافع آن را نادیده می‌گیرند اما هواداران جهانی سازی بیش از آنان یک سو نگرند. از نظریات، جهانی سازی (که نوعاً با پذیرش سرمایه داری موفق نوع آمریکایی اش مترداف است) به خودی خود پیشرفت محسوب می‌شود و کشورهای در حال توسعه اگر مایل اند رشد و علیه فقر و تنگدستی به نحوی مؤثر مبارزه کنند باید آن را بپذیرند.»

• «صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی هر دو حاصل

کنفرانس پولی و مالی «برتون وودز» هستند که در سال ۱۹۴۴ در «نیوهامپشایر» آمریکا تشکیل شد و بخشی از تلاش‌های هماهنگ شده‌ای بود که برای تأمین مالی بازسازی اروپا بعد از جنگ و اجتناب از رکودهای اقتصادی آینده صورت گرفت. اسم واقعی بانک جهانی یعنی بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه نشان دهنده مأموریت اولیه آن است. قسمت آخر یعنی توسعه در پایان کار به آن اضافه شد و در آن زمان توسعه بسیاری از کشورهای در حال توسعه که مستعمره اروپاییان بودند وظیفه‌ی آن‌ها شمرده می‌شد.»

• «تکلیف صندوق بین‌المللی پول بسیار مهمتر از بانک جهانی بود. وظیفه‌ی صندوق تثبیت اقتصاد جهان بود. مخصوصاً که شرکت کنندگان در کنفرانس «برتون وودز» در حال و هوای «رکود بزرگ» دهه ۳۰ بودند صندوق به منظور جلوگیری از بروز رکود جهانی دیگر به کشورهایی که به قدر کافی به تقاضای جهانی کمک نمی‌کنند فشار می‌آورد. حتی به بهای اینکه اقتصاد خود این کشورها گرفتار رکود شود. صندوق به کشورهایی که با کساد مواجه بودند و منابع شان اجازه نمی‌داد به تقاضای جهانی کمک کنند وام پرداخت می‌کرد.

• «در ابتدای کار صندوق بین‌المللی پول بر پایه این فکر تأسیس شد که بازارها عموماً خوب کار نمی‌کنند و ممکن است باعث بیکاری‌های بزرگ شوند و نتوانند منابع مالی لازم را برای اصلاح امورات اقتصادی کشور در اختیار کشورهای قرار دهند. صندوق براساس این فکر ایجاد شد که برای تثبیت اقتصادی به عمل گروهی در سطح جهانی نیاز است.»

• «در حالی که صندوق براساس این فکر تأسیس شد که بازارها اغلب بد عمل می‌کنند اکنون با شوری عقیدتی از تفوق بازارها حمایت می‌کند در حالی که تأسیس آن‌ها بر احساس

صندوق بین‌المللی پول براساس این فکر ایجاد شد که برای تثبیت اقتصادی به عمل گروهی در سطح جهانی نیاز است.

نیاز به فشار بین‌المللی بر روی کشورها بود تا سیاست‌های اقتصادی انبساطی تری در پیش بگیرند و با کاهش نرخ‌های بهره اقتصاد را به حرکت درآورند، اما امروزه صندوق نوعاً تنها وقتی اعتبار می‌دهد که کشور حاضر شود سیاست‌های کسری بودجه، افزایش مالیات‌ها و یا افزایش نرخ‌های بهره را اتخاذ کند که به محدود شدن فعالیت‌های اقتصادی منجر می‌شود.»

• «صندوق بین‌المللی پول با رأی گیری پیچیده‌ای که عمدتاً مبتنی بر توان اقتصادی کشورها در پایان جنگ دوم جهانی است اداره می‌شود البته تغییرات کوچکی صورت گرفته است اما با وجود اینکه تقریباً همه‌ی فعالیت‌های

همراه با تأیید شرایط صندوق هم به کشور وام گیرنده تحمیل می‌شد.»

• «بسیاری از سیاست‌های توصیه شده توسط صندوق بین‌المللی پول، خاصه آزادسازی زودرس بازار سرمایه، به بی‌ثباتی جهانی کمک کرده‌اند. وقتی کشوری با بحران مواجه شده است کمک‌ها و برنامه‌های صندوق نه فقط به تثبیت اوضاع اقتصادی آن کمک نکرده بلکه در بسیاری موارد و به ویژه در مورد کشورهای فقیر، وضع دو چندان وخیم‌تر شده است.»

• «اطلاعات و آمار هم نتیجه‌گیری‌های صندوق را تأیید نمی‌کند چین که بیشترین سرمایه‌گذاری خارجی در آن صورت گرفته به هیچ یک از نسخه‌های غربیان (جز آنچه به تثبیت اقتصاد کلان مربوط است) در مورد آزادسازی کامل بازار سرمایه واقعی نگذاشته است.»

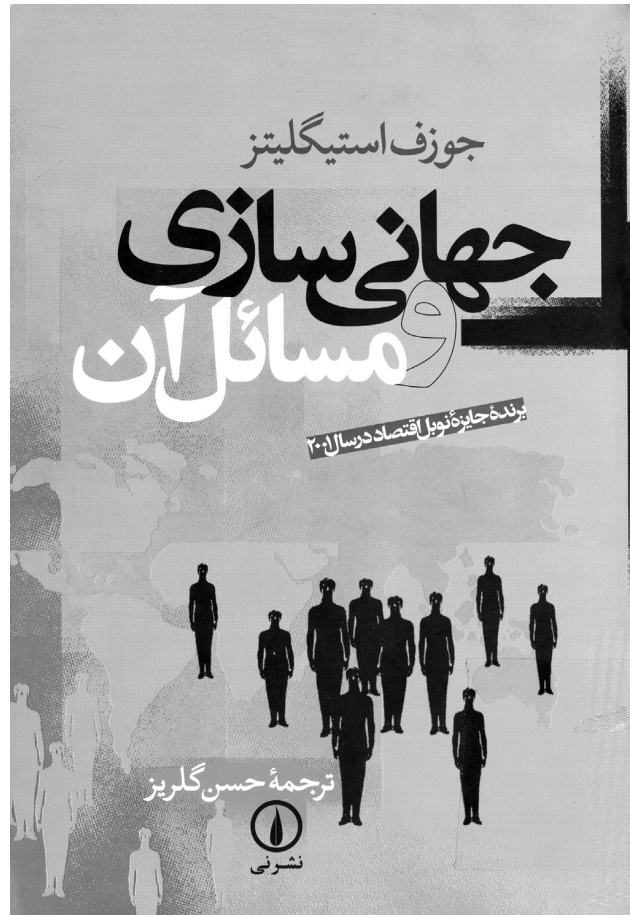
• «با کمال تأسف و البته نه چندان تعجب آور در دوره ای که عضو و سپس رئیس شورای مشاوران اقتصادی کاخ سفید بودم و نیز در بانک جهانی، می‌دیدم که غالباً تصمیمات به ایدئولوژی یا سیاست آلوده اند. تعصباتی که بعضاً بر منافع گروه‌های خاصی پرده کشیده بود.»

• «وقتی بحران‌ها پیش می‌آید صندوق بین‌المللی پول راه حل‌هایی پیشنهاد می‌کند که اگر هم متعارف بود ولی کهنه شده بود و نامناسب بود، بدون اینکه به آثار سیاست‌های توصیه شده روی کشورهایی که به آن‌ها گفته شده بود سیاست‌ها را دنبال کنند توجه شود در حالی که هیچ کس از رنج و محنتی که برنامه‌های صندوق با خود می‌آورد

وقتی بحران‌ها پیش می‌آید صندوق بین‌المللی پول راه حل‌هایی پیشنهاد می‌کند که اگر هم متعارف بود ولی کهنه شده و نامناسب بود.

راضی نبود. در داخل صندوق فرض را بر این می‌گذاشتند که این بخشی از رنج و محنتی است که کشورها باید تحمل کنند باید تا بتوانند به یک اقتصاد بازار موفق تبدیل شوند و این در واقع رنج و محنتی را که کشور در بلندمدت باید تحمل کند کاهش خواهد داد.»

• «نه فقط آزادسازی تجارت بلکه هر زمینه دیگر جهانی سازی، حتی تلاش‌هایی که به ظاهر با نیت خوبی صورت می‌گیرد نتیجه معکوس داده است. حتی اگر طرح‌های عمرانی، کشاورزی یا زیربنایی توصیه شده توسط غرب که بوسیله مشاوران غربی تنظیم شده و بانک جهانی و یاد دیگران آن را تأمین مالی کرده اند، با شکست مواجه شود، مردم فقیر کشورهای در حال توسعه باید وام‌ها را بازپرداخت کنند، مگر اینکه بدهی‌شان به نحوی بخشوده شود.»



صندوق و بانک جهانی مختص کشورهای در حال توسعه است ولی نمایندگان کشورهای صنعتی در رأس آن‌ها قرار دارند و هیچ‌گاه فکر نشده است آنکه بر مسند ریاست این سازمان‌ها می‌نشیند باید صاحب تجربه در جهان در حال توسعه باشد.»

• «ایالات متحده آمریکا داری حق و تو در تصمیمات صندوق است (از این جهت شبیه سازمان ملل است با این تفاوت که در سازمان ملل پنج کشور دارای حق و تو هستی.)»

• «با وجود تفاوت وظایف این دو نهاد در دهه ۸۰ فعالیت‌های آن‌ها به هم پیوند خورده است. در دهه هشتاد بانک جهانی به فعالیت‌هایی ورای وام‌های توسعه ای (مانند ساختن سد و جاده) اقدام کرد و حمایت‌های وسیع تری با عنوان وام‌های تعدیل ساختاری ارائه کرد لیکن این حمایت‌ها تنها در صورت تأیید صندوق بین‌المللی پول میسر بود و البته

ایالات متحده آمریکا داری حق و تو در تصمیمات صندوق است (از این جهت شبیه سازمان ملل است با این تفاوت که در سازمان ملل پنج کشور دارای حق و تو هستی.)



دکتر طریق الله خان

(عضو مؤسسه تحقیق و آموزش اسلامی وابسته به بانک توسعه اسلامی)

مترجم: حسین میسمی (اقتصاد ۸۳)

نظارت در بانکداری اسلامی

اسلامی به هیچ وجه مطلوب نیست. در اغلب موارد ضروری ترین اطلاعات مثل روش دقیق محاسبه سهم سود سپرده داران مختلف، فاش نمی گردد؛ همین طور، جزئیات نحوه استفاده بانکها از وجوه، اعلام نمی شود. شفافیت بیشتر در جنبه های مختلف فعالیت های بانک های اسلامی، اطمینان مشتریان را افزایش خواهد داد و باعث از بین رفتن اضطراب و نگرانی آنها خواهد شد. نهادهای قانونی ذیصلاح باید بانکها را وادار کنند که اطلاعات مهم و حیاتی را در اختیار سرمایه گذاران قرار دهند و بدین وسیله کارایی بازارهای مالی را افزایش دهند.

معمولا بانک های مرکزی، همان نظارت، شرایط و مقرراتی را که برای بانک های مبتنی بر بهره به کار می بندند، در مورد بانک های اسلامی نیز اعمال می کنند؛

به منظور حمایت از عموم و اقتصاد در برابر دلهره های مالی، اغلب دولت ها، نهادهای نظارتی فعالی را ایجاد کرده اند.

در نتیجه، صنعت بانکداری در سراسر جهان، به یکی از قانونمندترین صنایع تبدیل شده است. در نقطه ی مقابل این سابقه در نظارت بر بانکداری، اجازه دهید ساختار نظارتی بانک های اسلامی را مورد مطالعه قرار دهیم.

در اغلب کشورها بانک های اسلامی تحت نظارت بانک مرکزی کشور هستند و با آنها همانند بانک های متعارف رفتار می شود. برخی کشورها قانون بانکداری اسلامی خاصی را، به منظور کنترل عملکردهای بعضی بانک های اسلامی

یکی از مباحثی که در بانکداری و بالتبع بانکداری اسلامی مطرح می گردد، بحث نظارت بر سیستم بانکی می باشد. همان طور که می دانیم بحث نظارت در بانکداری متعارف جایگاه بسیار مهم و قابل توجهی دارد و به همین دلیل است که بانکداری در نظام متعارف فعلی بسیار قانونمند گردیده است.

نظارت بر بانکداری اسلامی هم مثل نظارت بر بانکداری متعارف، حائز اهمیت است. در حال حاضر، یکی از ضعف های نظام موجود، که نیاز به توجه جدی دارد، کمبود یک ساختار نظارتی کارا و مؤثر است و لذا لازم است که نقش هیئت های مشاوره ای شریعت^۱ و بانکهای مرکزی در این موضوع، مؤثر و تقویت گردد.

سه دلیل اصلی برای اینکه چرا کنترل و نظارت بر صنعت بانکداری اهمیت دارد، وجود دارند:

۱- افزایش اطلاعات در دسترس سرمایه گذار (شفافیت).

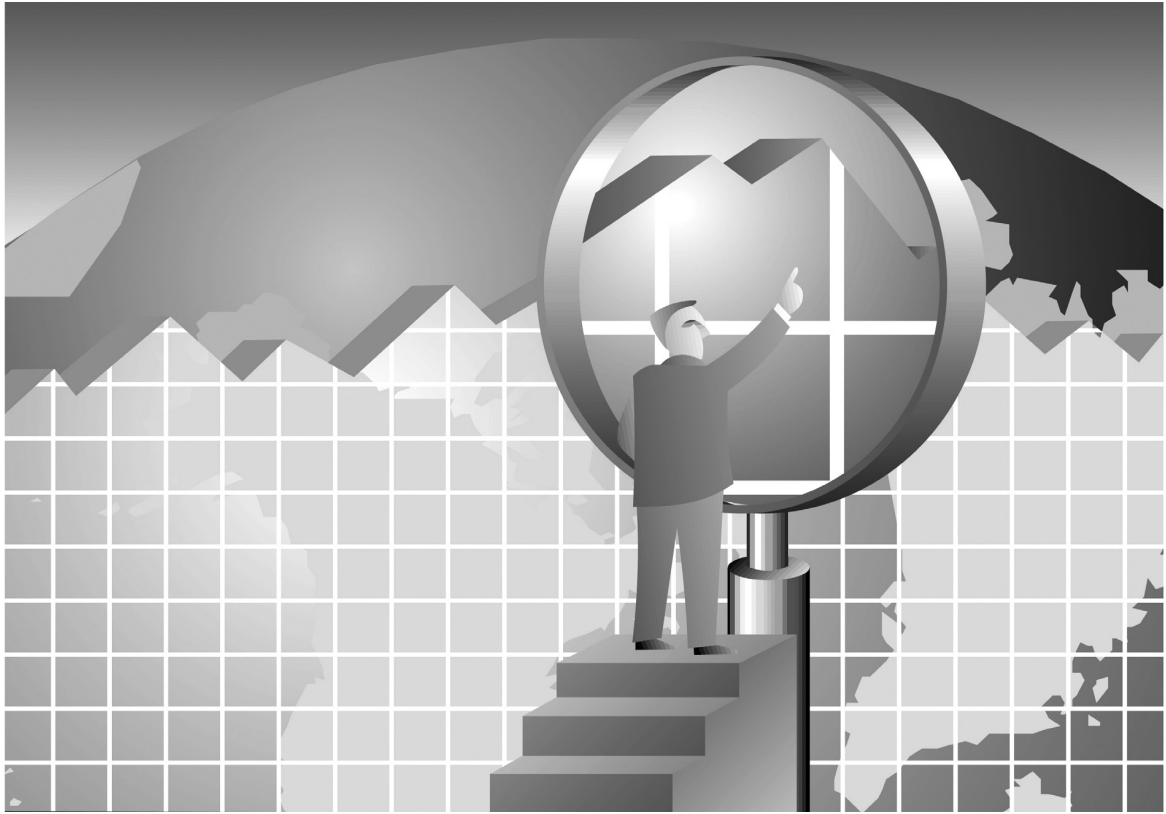
۲- تضمین صحت نظارتهای

۳- بهبود در کنترل سیاست های پولی.

لازم به ذکر است که در مورد بانک های اسلامی، یک بعد نظارتی دیگری نیز وجود دارد که آن نظارت شریعت بر فعالیت های آنها می باشد.

در مورد شفافیت، باید گفت که شرایط کنونی بانک های

۱- معمولا در بانک های اسلامی گروهی از فقها وجود دارند که تحت عنوان هیئت ناظر شریعت فعالیت می نمایند و وظیفه ی بررسی فعالیت های بانک از دیدگاه شرعی را بر عهده دارند.



پرداخت می‌کند، که بانک‌های اسلامی نمی‌توانند این بهره را دریافت کنند. یک جایگزین برای این بهره‌ی دریافت نشده باید وجود داشته باشد به گونه‌ای که تضمین کند بانک‌های اسلامی، بازدهی عادلانه بر سپرده‌های خویش نزد بانک مرکزی دریافت نمایند.

ب) بانک مرکزی به عنوان آخرین ملجا و پناهگاه بانک‌های تجاری، وام‌هایی را در دوره‌های «بحران نقدینگی» فراهم می‌کند. اگر چه اغلب بانک‌های اسلامی تحت نظارت بانک مرکزی فعالیت می‌کنند، اما شرعاً نمی‌توانند از چنین ابزارهایی استفاده کنند؛ زیرا این وجوه معمولاً بر اساس بهره فراهم می‌گردند. منطقی است که چنین مساعدت‌هایی از طرف بانک مرکزی خالی از هزینه نباشد و لذا نیاز به ابداع و اجرای یک ساختار عاری از بهره برای چنین مساعدت‌هایی وجود دارد. ساختاری که در آن بهره پرداخت نشود اما هزینه‌ی این وام‌ها نیز به نحوی دیگر به بانک مرکزی پرداخت گردد. لازم به ذکر است که پیشنهادهای در زمینه‌ی حل این مشکل ارائه گردیده اند اما مشکل همچنان به قوت خود باقی است. مثلاً انجمن ایدئولوژی اسلامی پاکستان^۴، برای حل این مشکل، یک مکانیسم مشارکت در سود را پیشنهاد کرده است که از طریق این مکانیسم می‌توان سود را به صورت روز شمار محاسبه نمود. پیشنهاد دیگر این است که یک ائتلاف بوسیله بانک‌های اسلامی و تحت نظارت بانک‌های مرکزی ایجاد گردد تا بانک‌های اسلامی در

خاص و کنترل ارتباط این نوع از بانک‌های اسلامی با بانک مرکزی، اجرا می‌کنند. برخی دیگر از کشورها، قوانینی را اجرا می‌کنند که در این قوانین، مقرراتی عمومی برای فعالیت‌های بانک‌های اسلامی در کنار بانک‌های متعارف، وضع می‌گردد.

معمولاً بانک‌های مرکزی، همان نظارت، شرایط و مقرراتی را که برای بانک‌های مبتنی بر بهره به کار می‌بندند، در مورد بانک‌های اسلامی نیز اعمال می‌کنند؛ اما دلایل خاصی وجود دارند که ایجاب می‌نمایند در بحث نظارت با بانک‌های اسلامی به روشی متفاوت برخورد شود. برخی از این فاکتورها به قرار زیر است:

نمی‌توان همان نظارت و قانونی که در مورد بانکداری متعارف اجرا می‌گردد را برای بانک‌های اسلامی نیز اجرا نمود بلکه این بانک‌ها نیاز به قوانین و ضوابط مخصوص به خود دارند.

الف) بانک‌های اسلامی مانند همه بانک‌های تجاری مجبورند برخی از سپرده‌هایشان را نزد بانک‌های مرکزی نگه دارند. معمولاً بانک‌های مرکزی به این سپرده‌ها بهره

۲- این در مورد تأسیس بانکداری اسلامی در اردن و مصر انجام گرفته است.

۳- مانند مالزی، ترکیه و امارات متحده عربی

۴-The Pakistan Council of Islamic Ideology

مواجهه با مشکلات مرتبط با نقدینگی، بر مبنای همکاری بصورت تعاونی به هم کمک نمایند

ج) ذخایر قانونی تحمیلی بر سپرده‌های بانک‌های متعارف، به گونه‌ای است که مناسب برای مواجه شدن با برداشت‌های احتمالی می‌باشد و نرخ هایشان بین سپرده‌های دیداری، پس انداز و مدت دار، متفاوت است. در مورد بانک‌های اسلامی این مطلب فقط برای سپرده‌های دیداری صحیح می‌باشد و فقط این نوع از سپرده‌ها نیاز به نگه داشتن ذخیره دارند. اما سپرده‌های مضاربه‌ای شبیه سهام بانکی هستند و لذا لازم نیست بانک‌های اسلامی در قبال آنها ذخیره‌ی قانونی نگه دارند. همان طور که بانک‌های متعارف موظف به نگه داشتن ذخیره بر روی سرمایه‌ی سهمی نیستند.^۵

بانک مرکزی [در نظام ربوی] به عنوان آخرین ملجأ و پناهگاه بانک‌های تجاری، وام‌هایی را در دوره‌های «بحران نقدینگی» فراهم می‌کند. اگر چه اغلب بانک‌های اسلامی تحت نظارت بانک مرکزی فعالیت می‌کنند، اما شرعا نمی‌توانند از چنین ابزارهایی استفاده کنند.

د) در کشورهایی که بانک مرکزی عملیات بازار باز را اجرا می‌کند، بانک‌های اسلامی به دلیل طبیعت مبتنی بر بهره بودن اوراق بهادار خرید و فروش شده، توانایی شرکت در اینگونه عملیات را ندارند. بنابراین بانک‌های اسلامی بدلیل عدم دسترسی به دارایی‌های مالی ای که به سهولت نقد می‌شوند، در محدودیت قرار دارند. که این موجب به وجود آمدن نوعی انعطاف ناپذیری در ساختار دارایی بانک‌های اسلامی می‌گردد.

ه) فقدان درک صحیح از طبیعت تکنیک‌های مالی اسلامی، می‌تواند تا حدودی عامل سیاست‌ها و نظارت نامناسب بانک مرکزی در قبال بانک‌های اسلامی باشد؛ این مطلب به خصوص در مورد دو عقد مشارکت و مضاربه صحیح می‌باشد. زیرا در تأمین مالی استقراض، اعطای وام بوسیله بانک، بدون توجه به حجم مالی قرض، یک فعالیت تک زمانه می‌باشد در حالی که مشارکت و مضاربه نوعی فعالیت مدت دار می‌باشند و شرکت بانک در این گونه فعالیت‌ها تا زمانی که پروژه‌ی تأمین مالی شده در حال اجرا است، ادامه خواهد یافت. این بحث می‌تواند الزامات مهمی برای بانک‌های مرکزی در گزارش، کنترل و نظارت بر بانک‌های اسلامی به وجود آورد.

و) بعضا ناظران بانک مرکزی در مورد نقش دقیق هیئت ناظر شریعت توجیه نمی‌باشند. برخی مواقع اینطور احساس گردیده که این هیئت‌های شریعت در تصمیمات بانک‌ها در مورد ابزارهای سیاست‌های پولی: مثل میزان سپرده‌های قانونی، عملیات بازار باز و غیره دخالت می‌کنند. مشخص

۵- برای بحث بیشتر در این مورد به این مقاله مراجعه کنید: Chapra, IBID, P۱۶۱.

کردن نقش دقیق هیئت‌های شریعت می‌تواند امری پسندیده باشد و باعث اطمینان بیشتر بانکداران فعال در بانک مرکزی گردد.

با توجه به مطالب بالا، نتیجه می‌گیریم که نمی‌توان همان نظارت و قانونی که در مورد بانکداری متعارف اجرا می‌گردد را برای بانک‌های اسلامی نیز اجرا نمود بلکه این بانک‌ها نیاز به قوانین و ضوابط مخصوص به خود دارند.

بحث دیگری که در مورد نظارت بر بانکداری اسلامی مطرح است موضوع استانداردهای حسابداری می‌باشد. همان طور که می‌دانیم بانک‌های متعارف دارای استانداردهای حسابداری مشابهی، نه تنها در سطح بین المللی بلکه حتی در سطح کشوری، هستند. و معمولا در بانکداری متعارف بانک‌های مرکزی مجموعه ترازنامه‌های بانک‌ها را منتشر می‌کنند و به طور منظم و بدون هیچ مشکلی بر آن‌ها نظارت می‌کنند. اما در مقابل، عدم تشابه فعالیت‌های حسابداری در بین بانک‌ها اسلامی به حدی رسیده است، که هر گونه مقایسه معنی‌داری بین ترازنامه‌ها یا حساب‌های سود و زیان آن‌ها امری بسیار دشوار، اگر نگوئیم کاملاً غیر ممکن، می‌باشد. به علاوه، مفاهیم مورد استفاده در ترازنامه‌ها یا صور سود و زیان بانک‌های اسلامی، به صورت دقیق تعریف نشده‌اند. و این حقیقتا مانعی جدی در جهت انجام نظارت کارا و موثر توسط نهادهای نظارتی می‌باشد. لذا به منظور انجام نظارتی دقیق ضروری است که سیستم حسابداری مشخص و مشابهی در نظام بانکداری اسلامی وجود داشته باشد.

البته ناگفته نماند که طی سال‌های اخیر پیشرفت‌هایی در حل نمودن این مشکل بدست آمده‌اند. به منظور ایجاد استاندارد در فعالیت‌های حسابداری موسسات مالی اسلامی، برخی بانک‌های اسلامی، با راهنمایی بانک توسعه اسلامی، سازمانی را به نام سازمان حسابداری و ممیزی موسسات مالی اسلامی (AAOIFI)^۶ تأسیس کرده‌اند. این سازمان که هم اکنون در بحرین پایه ریزی شده و مشغول به کار است، مرکب از کمیته‌ی نظارت، و هیئت استانداردهای حسابداری مالی می‌باشد؛ که این هیئت مسؤلیت تدارک، انتشار و اصلاح استانداردهای حسابداری آن دسته از بانک‌های و نهادهای مالی اسلامی، که پذیرفته‌اند استانداردهای تعیین شده بوسیله هیئت را اجرا کنند، را بر عهده دارد. اما این مشکل، یعنی عدم تشابه حسابداری، باز هم بدون هیچ تغییری محسوس در فعالیت‌های حسابداری بانک‌های اسلامی مشاهده می‌گردد. دلیل اصلی این مسئله آن است که AAOIFI یک سازمان داوطلبانه است و هیچ قدرت الزام‌آوری برای اجرای استانداردهایش ندارد.

امید است به نکاتی که در این خلاصه در مورد نظارت بر بانکداری اسلامی بیان گردید توجه کافی مبذول گردد.

پرونده ماه:

برنامه و بودجه

The image shows a close-up of a financial spreadsheet with a pen pointing to a specific cell. The cell contains the number 1.309,1, which is circled in black. The spreadsheet has multiple columns and rows of numbers, some of which are partially visible and blurred. The pen is positioned diagonally across the bottom right of the frame, pointing towards the circled cell.

247,7	127,5	29,8	675,6	2,1	0,104	0,3
271,1	25,8	460,9	144,5	1	-0,170	-0,1
2.428,7	127,5	402,7	31,5	8,7	-1,949	-0,1
295,0	1.309,1	32,8	21,4	4,1	1,537	1
4.886,5	20,9	442,1	28	28	846	1
267,9	13,4	172,1	172,2	28		
700,9	172,1	172,2				
1.798,2	172,2					
1.634,3						
1.202,4						
20.000,0						



تاریخچه‌ی برنامه‌ریزی در ایران

علی سعیدی (اقتصاد ۸۳) - مجتبی ضمیری (اقتصاد ۸۵)

ولی بعد به این نتیجه رسیدند که هفت سال زمان زیادی است و باید مدت برنامه به پنج سال کاهش پیدا کند. لذا در ایران هم برنامه سوم توسعه، پنج ساله نوشته شد. در این برنامه، تمرکز اصلی بر تولید کالاهای جانشین واردات بود. منابع مالی دولت در این دوران بیشتر از طریق نفت و استقرار خارجی تأمین می‌شد. در طی این برنامه، مهمترین پروژه‌ای که راه‌اندازی شد، ذوب آهن اصفهان بود که شاه به دور از چشم آمریکایی‌ها، قرارداد آن را با روس‌ها بست.

در برنامه‌های چهارم و پنجم، روند برنامه‌ریزی و بودجه‌نویسی به پیشرفت‌های خوبی رسید و با توجه به تجربیات قبلی و حمایت خارجی، بر اساس اصول و روش‌های مدرن ادامه یافت. در این برنامه‌ها حسابداری ملی سامان بیشتری یافت و سازمان برنامه و بودجه نقشی محوری پیدا کرد.

اما در برنامه بعدی، به علت تقارن با جنگ اعراب و اسرائیل و افزایش ۴ برابری قیمت نفت، همه چیز به هم ریخت؛ درآمد دولت زیاد شد و برنامه‌ریزی و حسابداری و ... به یک‌باره فراموش شد و شاه اقدام به بذل و بخشش درآمدهای نفتی کرد. هم‌زمان کشورهای غربی هم برای جبران خسارت خود ناشی از افزایش قیمت نفت، اقدام به «بازبایی دلارهای نفتی» (recycling petro-dollars) نمودند. البته ناگفته نماند که همین افزایش قیمت‌ها هم توسط خود غربی‌ها و برای منافع خودشان اتفاق افتاده بود ولی به اسم تحریم نفتی اعراب علیه اسرائیل تمام شد!

اما بعد از انقلاب اسلامی، به دلیل ترور متفکران و اندیشمندان انقلابی و بعد هم تحمیل جنگ هشت ساله، برنامه‌ریزی و بودجه‌نویسی روندی نزولی به خود گرفت و پسرقتی در این حوزه ایجاد شد. به دلیل ملی‌شدن‌های بسیار اوایل انقلاب و بعد هم جنگ تحمیلی، حجم دولت بسیار افزایش یافت؛ از سوی دیگر نهادهای انقلابی به وجود آمده نیز کمتر زیر بار برنامه‌های سازمان برنامه و بودجه می‌رفتند. در نتیجه برنامه‌ریزی کارشناسانه و قاعده‌مند از رونق افتاد و مدل بودجه‌نویسی به مدل «بودجه‌ریزی افزایشی» (Incremental Budgeting) تبدیل شد که در آن تنها کاری که می‌شود این است که درصدی به عنوان تورم به بودجه سال قبل افزوده می‌شود و به عنوان بودجه سال جدید تصویب می‌شود.

اشاره: آنچه در پی می‌آید حاصل گفتگوی صدر با یکی از اساتید محترم دانشکده می‌باشد که سابقه حضور در سطوح اول مدیریت سازمان برنامه و بودجه سابق را دارا می‌باشد. بنا به درخواست ایشان، از ذکر نامشان معذوریم!

تاریخ اولین برنامه‌ریزی مدرن به دوران پس از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد، هنگامی که ایالات متحده آمریکا طرحی را برای توسعه کشورهای اروپایی بعد از جنگ پیشنهاد و اجرا کرد. پس از اجرای موفق این برنامه که به «برنامه اصل ۴» (۴ Point Program) معروف شد، آمریکایی‌ها تصمیم گرفت این برنامه را در کشورهای متحد خاورمیانه‌ای خود از جمله ایران هم اجرا کنند تا از نفوذ کمونیسم در آنها جلوگیری کرده باشند. بدین ترتیب اولین جرقه‌های برنامه‌ریزی در ایران زده شد و برنامه اول هفت ساله در دهه ۲۰ نوشته شد. در جریان تنظیم این برنامه، برای اولین بار آمارگیری مدرن وارد ایران شد و افکار و ابزارهای جدید اقتصادی و صنعتی و روش‌های نوین محاسبه و حسابداری به کار گرفته شد. با وجود همه‌ی این تلاش‌ها، این برنامه‌ی هفت ساله به دلیل کشمکش‌ها و ناآرامی‌های سیاسی به خاطر ملی شدن صنعت نفت و بعد هم کودتای ۲۸ مرداد، نتوانست به اهداف خود برسد و در عمل شکست خورد.

در دهه ۳۰، برنامه دوم توسعه تدوین شد. این برنامه، با توجه به تجربه قبلی برنامه‌ریزی و ثبات نسبی اوضاع سیاسی، نسبتاً موفق بود. در این برنامه، رویکرد اصلی معطوف به سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی مثل ساخت سد و جاده و ... بود که مهمترین آن‌ها ساخت سد دز بود که ششمین یا هفتمین سد بزرگ جهان در آن زمان بود.

با به قدرت رسیدن جان اف کندی از حزب دموکرات آمریکا، فشار بر شاه ایران برای انجام یک سری اصلاحات ساختاری جهت انجام طرح‌های توسعه‌ای افزایش یافت به طوری که شاه ایران به پیشنهاد کندی، «انقلاب سفید» یا «انقلاب شاه و ملت» را در مقابل «ارتجاع سیاه» اعلام کرد. هدف اصلی، تقویت حکومت مرکزی و انجام اصلاحات ارضی بود. بدین منظور، شاه اختیارات زیادی به وزیر کشاورزی و کمیته اصلاحات ارضی داد تا این کار با سرعت و جدیت اجرا شود. با انجام اصلاحات ارضی، شاه نتوانست قدرت خان‌ها را در اقصی نقاط کشور محدود کند. تا قبل از این، در دنیا مرسوم بود که برنامه‌های توسعه را هفت ساله می‌نوشتند



عملکرد برنامه‌های توسعه

محمد جواد رضائی - مهدی موحدی (اقتصاد ۸۳)

برخی وزارتخانه‌ها نسبت به ارائه پروژه‌های خود بدون علاقه و با تعویق عمل می‌کردند، در نتیجه در نظر عموم همواره سازمان برنامه به عنوان نهادی که در خلاء به برنامه ریزی مبادرت می‌ورزد شناخته شد.

دومین برنامه توسعه (۱۳۴۱-۱۳۳۵)

برنامه دوم اساساً عبارت از مجموعه‌ای از پروژه‌های مستقل بود. به این ترتیب اثرات همزمان پروژه‌ها بر یکدیگر که از خصوصیات یک چهارچوب منظم است نمی‌توانست مورد ارزیابی قرار گیرد. طبق برنامه دوم کلیه تخصیص‌ها در بخش کشاورزی منحصر به سه سد بزرگ می‌شد: کرج، سفیدرود و دز. تخصیصات بخش صنعت، در ساختمان و مدرن کردن کارخانجات شکر، پارچه و سیمان متمرکز بود.

تأمین مالی برنامه از طریق درآمدهای نفتی صورت می‌گرفت. در این زمان درآمدهای نفتی بین سه سازمان تقسیم می‌شد: سازمان برنامه، وزارت دارایی (مالیه) و شرکت ملی نفت ایران، البته حدود ۸۰ درصد از این درآمد در سازمان برنامه متمرکز بود.

کل هزینه‌های برنامه دوم بالغ بر ۷۰ میلیارد ریال بود (بانرخ برابری یک دلار معادل ۷۵ ریال، ۹۳۳ میلیون دلار). درآمدهای نفتی تخصیص یافته به برنامه دوم ۶۰ درصد مجموع درآمدهای نفتی را تشکیل می‌داد که بعداً به حدود ۸۰ درصد افزایش یافت. از مجموع این رقم هزینه ۲۶ درصد به کشاورزی، ۲۶ درصد به خدمات اجتماعی و آب و برق، ۱۵ درصد به صنعت و معدن اختصاص یافته بود، باقیمانده که یک سوم کل هزینه‌ها را تشکیل می‌داد به ارتباطات اختصاص

درآمدهای نفتی تخصیص یافته به برنامه دوم ۶۰ درصد مجموع درآمدهای نفتی را تشکیل می‌داد که بعداً به حدود ۸۰ درصد افزایش یافت.

اولین برنامه توسعه قبل از انقلاب (۱۳۳۴-۱۳۲۸)
اولین برنامه‌ی توسعه برای مدت هفت سال از ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۴ شمسی تدوین شد. این برنامه نقش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را در محاسبات خود وارد نساخته بود. برنامه متشکل بود از تعدادی پروژه‌های زیربنایی که باید توسط سازمان برنامه - که جدیداً تأسیس شده بود - به اجرا درمی‌آمد. به دلیل بحران مربوط به سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ در مورد نفت و درآمدهای نفتی ایران اجرای این برنامه عملاً غیر ممکن شد.

در برنامه‌ی اول، هزینه‌های سرمایه‌گذاری بخش دولتی برای کل دوره‌ی برنامه را بالغ بر ۲۱ میلیارد ریال تعیین کرده بود.

دولت از بانک جهانی - که به تازگی تأسیس شده بود - تقاضای وام نمود، اما بانک جهانی به اطلاع دولت وقت رساند که بانک فقط تقاضاهایی را که در مورد پروژه‌های مشخص بوده و عملی بودن آنها با مطالعات فنی به ثبوت می‌رسد، مورد بررسی قرار می‌دهد، براساس این اطلاع، دولت یک شرکت مهندسی آمریکایی را برای استقرار در وزارت مالیه به کار گرفت تا پروژه‌هایی را پیشنهاد کند که از سوی بانک جهانی برای پرداخت وام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

این برنامه هزینه‌های سرمایه‌گذاری بخش دولتی برای کل دوره‌ی برنامه را بالغ بر ۲۱ میلیارد ریال (معادل ۶۵۶ میلیون دلار با نرخ برابر ۳۲ ریال) تعیین کرده بود، اما بحران نفتی سال ۱۳۳۰ که جریان پول خارجی (ارز) را قطع کرد و فقدان مدیران ماهر در سازمان برنامه به عنوان دو عامل مهم موجب شدند که برنامه هرگز نتواند به اجرا درآید.

تا اواخر سال‌های ۱۳۳۰ شمسی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و استان‌های کشور خود برنامه ریزی نمی‌کردند.

یافت. اما از آنجا که اهداف برنامه مشخص نبود ملاک توفیق برنامه اساساً به انجام پروژه‌های اعلام شده بستگی داشت. برنامه دوم از نظر حجم و اندازه مطابق توانایی‌های مالی ایران آن زمان بود و تأمین مالی آن مشکلی نداشت، اما سازمان دهی، مدیریت و نیروی انسانی لازم جهت انجام پروژه‌های موجود در برنامه کافی نبود.

سومین برنامه توسعه (۱۳۴۶-۱۳۴۲)

اولین برنامه جامع توسعه در ایران، برنامه‌ی سوم بود. دوره برنامه‌ی سوم، ۴۶-۱۳۴۲ را باید به دو دوره تقسیم کرد: ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۳ و ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶. دوره‌ی اول که دوران یک رکود بود در ترکیب با سیاست‌های تثبیت اوایل دهه‌ی ۱۳۴۰ منجر به ایجاد تراز پرداخت‌های مطلوبی گشت. با ادامه‌ی وضعیت بهبود و رونق اقتصادی، هم سرمایه‌گذاری و هم واردات افزایش یافت؛ در نتیجه، کسری پرداخت‌های جاری از ۵۸ میلیون دلار (۴/۳۵ میلیارد ریال) در سال ۱۳۴۲ به ۱۲ میلیون دلار (۱۵/۹ میلیارد ریال) در سال ۱۳۴۶ بالغ گشت. برنامه، هزینه‌های توسعه را معادل ۲۳۰ میلیارد

اولین برنامه جامع توسعه در ایران، برنامه‌ی سوم بود.

ریال (۳۱ میلیارد دلار) برای بخش خصوصی و ۱۶۰ میلیارد ریال (۲/۱ میلیارد دلار) برای بخش عمومی در نظر گرفته بود. سرمایه‌گذاری خصوصی باید از طریق پس اندازها انجام می‌شد و سرمایه‌گذاری بخش عمومی می‌بایست از طریق درآمد‌های نفتی و استقراض داخلی و خارجی به انجام می‌رسید.

اولویت‌ها در مقایسه با برنامه‌های قبلی چندان تغییر نکرده بود آنچه عملاً در مقایسه با گذشته اتفاق افتاد اینکه در برنامه سوم، رقم کل سرمایه‌گذاری معادل ۴۳۳ میلیارد ریال (۵/۷ میلیارد دلار) بود که ۲۴۶ میلیارد ریال آن (۲/۳ میلیارد دلار) به بخش خصوصی و بقیه به بخش عمومی اختصاص داشت.

دستیابی به نرخ رشدی معدل ۶ درصد در سال، تکیه‌ی اولیه برنامه‌ی سوم بود. اهداف ثانویه عبارت بودند از: تقویت امکانات اشتغال، نیل به توزیع درآمد متعادل تر، تأمین ثبات قیمت‌های نسبی و تعادل در تراز پرداخت‌ها.

چهارمین برنامه توسعه (۱۳۵۱-۱۳۴۷)

برخلاف برنامه سوم که مشتمل بر هیچ هدف کلی نبود، اهداف کلی برنامه چهارم عبارت بود از:

- ۱- افزایش رشد اقتصادی از طریق افزایش نسبی سهم صنعت، ارتقای بهره‌وری سرمایه و معرفی تکنیک‌های پیشرفته‌ی تولید.
- ۲- توزیع عادلانه‌تر درآمد
- ۳- تنوع صادرات و کاهش وابستگی به کشورهای خارجی
- ۴- تقویت نظام اجرایی از طریق شیوه‌های پیشرفته

مدیریت.

از مجموع ۸۱۰ میلیارد ریال (۱۰/۸ میلیارد دلار) سرمایه‌گذاری، ۴۳۳/۵ میلیارد ریال (۵/۹ میلیارد دلار) - ۵۵ درصد مربوط به بخش عمومی و ۳۶۶/۵ میلیارد ریال (۴/۸ میلیارد دلار) - ۴۵ درصد - مربوط به بخش خصوصی بود.

مشکلات اصلی این برنامه همانند برنامه‌های پیشین عبارت بودند از: فقدان آمار، عدم وجود مبنایی برای سازگاری و هماهنگی اجزای برنامه، کمبود پروژه‌های مشخص و عدم اطمینان در مورد دسترسی به وجوه لازم جهت پرداخت هزینه‌های برنامه.

درآمد‌های نفتی ۴۸۷ میلیارد ریال (۶/۴ میلیارد دلار) بار دیگر منبع اصلی وجوه برای توسعه بود. ۸۰ درصد از درآمد‌های نفتی به همراه ۱۵۰ میلیارد ریال (۲ میلیارد دلار) استقراض از منابع خارجی، تشکیل دهنده‌ی ۹۰ درصد کلیه وجوه در دسترس مسئولین برنامه ریزی کشور بود.

برای برنامه ریزی به پنج بخش کشاورزی، صنعت، نفت و گاز، آب و برق و خدمات توجه شد. مشکلات اصلی این برنامه همانند برنامه‌های پیشین عبارت بودند از: فقدان آمار، عدم وجود مبنایی برای سازگاری و هماهنگی اجزای برنامه، کمبود پروژه‌های مشخص و عدم اطمینان در مورد دسترسی به وجوه لازم جهت پرداخت هزینه‌های برنامه.

پنجمین برنامه توسعه (۱۳۵۶-۱۳۵۲)

اهداف برنامه عبارت بود از: افزایش استاندارد زندگی و درآمد‌ها، نیل به رشد متعادل با حداقل تورم، تقویت خدمات اجتماعی و گسترش عدالت اجتماعی، حفاظت از محیط زیست، توزیع عادلانه‌تر منابع انسانی، گسترش علم، دانش و تکنولوژی، افزایش تولید داخلی و واردات صنعتی، سرمایه‌گذاری مازاد پول خارجی (ارز) در خارج از کشور به منظور ایجاد منابع جدید ثروت جهت دوران بعد از نفت و حفاظت و ارتقاء فرهنگ و میراث ملی.

پنجمین برنامه توسعه ایران حجم کل سرمایه‌گذاری را بالغ بر ۲۴۶۱ میلیارد ریال (۳۶/۴ میلیارد دلار) برای کل دوره‌ی پنج ساله تعیین کرده بود. از این مبلغ سرمایه‌گذاری ۲۲/۹

پنجمین برنامه توسعه ایران حجم کل سرمایه‌گذاری را بالغ بر ۲۴۶۱ میلیارد ریال برای کل دوره‌ی پنج ساله تعیین کرده بود.

میلیارد دلار مربوط به بخش عمومی و ۱۳/۵ میلیارد دلار به بخش خصوصی اختصاص داشت. تأمین مالی سرمایه‌گذاری بخش عمومی عمدتاً به عهده‌ی درآمد‌های نفتی بود که در برنامه‌ی پنجم بالغ بر ۲۴/۶ میلیارد دلار پیش بینی شده بود.

تصمیمات متخذه به وسیله اوپک در اکتبر و دسامبر سال ۱۹۷۳ و تحولات بعدی در بازار بین‌المللی نفت، موجب شد

پرونده ماه: برنامه و بودجه

تولید ناخالص داخلی ۲/۴ درصد و رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت حدود ۶٪ درصد بوده است. با پایان یافتن جنگ و شروع دهه دوم انقلاب از یک سو زمینه‌های تحول در اقتصاد کشور افزایش یافت و از سوی دیگر ضرورت بازسازی

برنامه اول توسعه با انتخاب راهبرد آزادسازی اقتصادی آغاز شد .

اقتصاد در هم شکسته کشور و ایجاد زمینه برای بهبود وضع زندگی مردم نمایان تر شد.

در این شرایط برنامه ریزان در قالب برخورد مرحله‌ای با نیازهای توسعه جامعه و ضرورت توسعه کشور، ابزار برنامه ریزی میان مدت را انتخاب کردند و عملاً برنامه توسعه کشور در قالب برنامه‌های پنج ساله از سال ۱۳۶۸ شروع شد .

برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

برنامه اول توسعه با انتخاب راهبرد آزادسازی اقتصادی آغاز شد . هدف اصلی برنامه اول آن بود که با سرمایه گذاری دولت در بازسازی خسارت جنگ و بهره برداری حداکثر از ظرفیت‌های موجود، روندهای منفی اقتصادی حاکم ، به نفع ما ایجاد رشد اقتصادی در کشور تغییر یابد و زمینه‌ی تداوم رشد در آینده فراهم شود .

اهداف کلی برنامه در طول عمر پنج ساله‌ی آن به شرح زیر

عملکرد برنامه دوم نشان می‌دهد میانگین رشد تولید ناخالص داخلی ۳/۲ درصد در سال بوده که با اهداف برنامه فاصله دارد

بود: رشد سالانه‌ی معادل ۸/۱ درصد در GDP به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۷، کاهش کسربودجه عمومی از ۲۱۴۶ میلیارد

که درآمد حاصل از هر بشکه‌ی نفت ایران عملاً چهار برابر گردد؛ بنابراین، تخمین درآمدهای بخش نفت در برنامه‌ی پنجم پس از تجدید نظر، رقم جدید ۹۸/۲ میلیارد دلار را نشان داد .

ششمین برنامه توسعه (۱۳۶۱-۱۳۵۷)

در پایان سال ۱۳۵۵، برنامه‌ی پنجم تجدید نظر شده، عملاً به هیچ عنوان دنبال نمی‌شد. نگرانی از مسائل آتی منجر به تهیه‌ی سریع برنامه‌ی ششم توسعه شد (۱۳۶۱-۱۳۵۷) چنین تصمیم گرفته شد که استفاده کنندگان از وجوه، اعم از آنکه در دولت ویا بیرون از آن باشند باید تحت برنامه ریزی عمل کنند؛ بنابراین بیش از صد کمیته متخصص ، کار تهیه‌ی پیشنهادهای اولیه برای تعیین مخارج در برنامه‌ی ششم را به عهده گرفتند، اما سرانجام تشخیص داده شد که برنامه ریزی غیرمتمرکز، نتایج مناسبی را ارائه نخواهد کرد، زیرا پس از ارائه پیشنهادهای معلوم شده بود که تخمین درآمدهای برنامه حدود ۱۲۰ میلیارد دلار است در حالی که تقاضا برای وجوه به مراتب بیشتر است و بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار می‌باشد .

تحت چنین شرایطی است که شاه تصمیم خود را رسماً این گونه اعلام می‌نماید که ایران از این پس براساس برنامه‌های پنج ساله توسعه، عمل نخواهد کرد و همزمان رویه‌ی از برنامه ریزی را تجویز می‌کند که بر مبنای راهبردهای ۱۰ساله و ۲۵ ساله و با استفاده از مقادیر بودجه‌های جاری هر سال بناشده باشد، به این ترتیب دوران برنامه ریزی‌های پنج ساله توسعه در ایران توسط شاه خاتمه می‌یابد .

برنامه‌های پس از انقلاب :

در دوران انقلاب و جنگ ، اقتصاد با فرار سرمایه و نیروی انسانی، هجوم پناهندگان عراقی و افغانی ، تحریم اقتصادی غرب ، ملی

کردن بانک‌ها و سرمایه‌های عمده مواجه شد و موضوع تجدید مبنای اقتصادی و دستبازی به رشد اقتصادی را بسیار دشوار کرد. در این دوره دولت با ساماندهی مجدد نظام مالی ، نقش بخش عمومی را در پاسخ به اوضاع و احوال جنگ تقویت کرد . طی دوره ۱۳۵۷-۱۳۶۷ (دوران انقلاب و جنگ) رشد سالانه



ریال در سال ۱۳۶۷ به ۹۲/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۲ یعنی سال پایانی برنامه، کاهش نرخ بیکاری از ۱۵/۹ درصد به ۱۳/۴ درصد در سال پایانی برنامه، انجام امور بازسازی و کنارگذاردن کنترل‌های اقتصادی، اصلاح ساختار پولی و کنترل تورم، جایگزینی واردات در کنار تشویق صادراتی کنترل سریع رشد جمعیت و بالاخره اتمام پروژه‌های نیمه تمام.

عملکرد برنامه اول نشان می‌دهد که با شروع برنامه، رشد اقتصادی چشمگیر بوده اما در سال‌های آخر برنامه روند رشد، نزولی شده و نشان دهنده آن است که برنامه نتوانسته روندهای مثبت و با دوام اقتصادی را در جامعه شکل بدهد و این رشد شدید در اوایل برنامه بیش از آن که تابع سیاست‌های هدفمند برنامه ریزان باشد، تحت تأثیر تحولات خارج از کنترل برنامه از جمله افزایش موقت درآمدهای نفتی کشور ناشی از ماجرای اشغال نظامی کویت و تزریق سریع وام‌های خارجی در اقتصاد ملی و استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی عاطل مانده در دوران جنگ بوده است.

برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

برنامه اول در سال ۱۳۷۲ به پایان رسید. سال ۱۳۷۳ به مطالعه و ارزیابی عملکرد برنامه اول اختصاص یافت و بدین ترتیب برنامه دوم برای دوره پنج ساله ۱۳۷۴-۱۳۷۸ تهیه شد. برنامه دوم توسعه در ادامه برنامه اول و بر مبنای چند محور اساسی، سیاست‌ها و خط مشی‌های برنامه را تدوین و سازماندهی کرد.

این محورها عبارت بودند از: رفع عدم تعادل‌های تاریخی و پرسابقه مانند عدم تعادل در منابع و مصارف بودجه، پس انداز، سرمایه گذاری و تجارت خارجی؛ تغییر ساختار اقتصادی؛ منطقی شدن قیمت‌ها؛ کاهش ابعاد بخش دولتی؛ توسعه استانداردهای مدیریت؛ توسعه نظام تأمین اجتماعی؛ و توجه به محیط زیست.

اهم اهداف کلی برنامه دوم عبارت بودند از رشد سالانه معادل ۵/۱ درصد در GDP به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱، کسری

مهمترین ویژگی برنامه سوم در بعد اقتصادی، شناخت چالش‌های اساسی فرآیند توسعه اقتصادی کشور و سعی در فراهم ساختن الزامات تحقق یک توسعه پایدار است.

بودجه معادل ۸۷۵ میلیارد ریال مجموعاً وطنی برنامه، ایجاد بالغ بر ۲ میلیون و فرصت شغلی جدید، ادامه اصلاح ساختار پولی و کنترل تورم، کاهش تصدی و انحصارات دولتی و تأکید بر اتمام طرح‌های نیمه تمام.

عملکرد برنامه دوم نشان می‌دهد میانگین رشد تولید ناخالص داخلی ۳/۲ درصد در سال بوده که با اهداف برنامه فاصله دارد. نیل به رشد اقتصادی مطلوب در برنامه دوم با بحران بدهی‌های ارزی در اوایل برنامه مذکور و لزوم صرفه جویی در مصارف ارزی، عدم ثبات در سیاست‌های پولی و

مالی و ارزی و کاهش قیمت نفت در سالهای ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ باعث محقق نشدن اهداف برنامه شد.

برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)

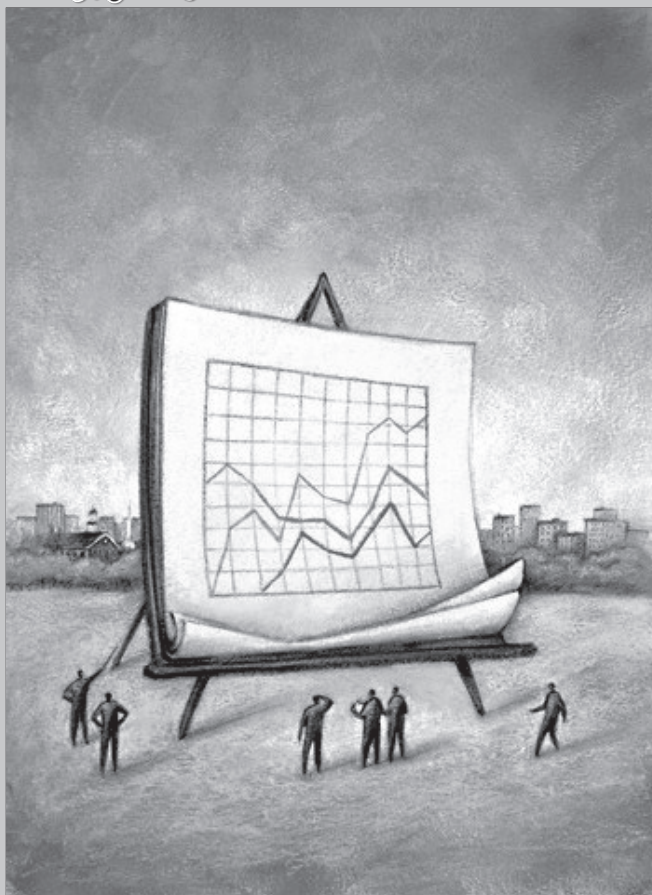
در برنامه سوم توسعه، اصلاح ساختار اقتصادی با نگرش داخلی مدنظر قرار گرفت. مهمترین ویژگی برنامه سوم در بعد اقتصادی، شناخت چالش‌های اساسی فرآیند توسعه اقتصادی کشور و سعی در فراهم ساختن الزامات تحقق یک توسعه پایدار است. بر این اساس در حوزه اقتصاد راهبرد اصلاحات اقتصادی بر رویکرد «توسعه اقتصادی رقابتی» از طریق حرکت به سمت آزادسازی نظام قیمت‌ها و تعیین قیمت بر مبنای ساز و کار بازار، به عنوان ابزار تخصیص بهینه منابع استوار بود.

برای رسیدن به اهداف رشد اقتصادی برنامه، اقدامات و اصلاحات مهمی از سال ۱۳۷۹ شروع شد از جمله این اصلاحات می‌توان به: اصلاح سیستم نرخ ارز و اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز، جایگزینی تدریجی تعرفه به جای موانع غیر تعرفه ای و فراهم آوردن شرایط برای کاهش تعرفه‌ها، تأسیس نظام مالی غیر بانکی به منظور انحصار زدایی از شبکه بانکی، تصویب و اجرای قانون سرمایه گذاری خارجی، تصویب و اجرای قانون جدید مالیات‌ها، خصوصی سازی بانک‌ها و ایجاد بیمه خصوصی و غیره اشاره کرد. این اقدامات و اصلاحات به همراه افزایش بهای نفت، ایجاد فضای باثبات اقتصادی از طریق حساب ذخیره ارزی (ماده ۶۰ قانون برنامه سوم توسعه) به رغم فضای تشنج داخلی، منطقه ای (جنگ آمریکا با افغانستان و عراق) باعث شد تا عملکرد برنامه سوم توسعه، از اهداف برنامه زیاد دور نباشد.

برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸)

(از آن جایی که برنامه چهارم توسعه هنوز به پایان نرسیده در اینجا صرفاً به بیان اهم اهداف آن می‌پردازیم) برخی از اهداف این برنامه عبارتند از:

تأمین هزینه‌های دولت به طور کامل از محل درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای غیر نفتی (تا پایان سال ۱۳۸۸) تغییر راهبرد رشد مبتنی بر نهاده‌ها (اقتصاد نهاده محور) به راهبرد رشد مبتنی بر دانایی (اقتصاد دانایی محور)، اصلاح کلیه قوانین و مقررات پولی و بانکی و بیمه ای در راستای مقتضیات ملی و بین المللی، اجازه واگذاری سهام شرکت‌های بیمه‌ای تجاری به بخش خصوصی، تعامل با شرکت‌های جهانی به منظور راهیابی به بازارهای بین المللی، ممنوعیت تشکیل مناطق آزاد جدید، پوشش کامل جمعیتی صد در صد از نظربیمه‌ی همگانی پایه خدمات درمانی، سنجش و ارزیابی سرمایه‌ی اجتماعی و ارائه گزارش سالانه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی کشور، تعیین دوره‌ی خدمات در پست‌های مدیریتی به میزان چهارسال با امکان تمدید آن، اختصاص حداقل ۱۰ درصد از منافع قابل تخصیص حساب ذخیره ارزی به بخش غیردولتی، تا برای طرح‌های



پیشینه تاریخی سازمان مدیریت و برنامه ریزی

مسلم بمانپور (اقتصاد ۸۳)

سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور از ادغام دو سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور اداری و استخدامی کشور (سابق) ایجاد شده است.

سازمان برنامه و بودجه

به منظور هماهنگ کردن فعالیت‌های عمرانی و لزوم تهیه برنامه‌هایی برای رشد اقتصادی و اجتماعی کشور، در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی «شورای اقتصادی»، ایجاد شد. در ۱۷ فروردین سال ۱۳۲۵ به موجب تصویب هیأت وزیران هیأتی به نام «هیأت تهیه نقشه اصلاحی و عمرانی کشور»، تشکیل شد. هیأت دولت پس از دریافت گزارش‌های ارایه شده از سوی این هیأت در مرداد سال ۱۳۲۵ تصویب کرد که

برای رسیدگی به برنامه‌های ارایه شده از سوی وزارتخانه‌ها، هیأت جدیدی به نام «هیأت عالی برنامه»، تشکیل شود. هیأت عالی برنامه در سال ۱۳۲۷ لایحه قانون برنامه هفت ساله عمرانی کشور را تهیه و به مجلس وقت ارایه کرد. در این لایحه برای نخستین بار با توجه به لزوم جلوگیری

در سال ۱۳۳۴ شمسی «اداره کل طبقه‌بندی مشاغل»، وابسته به وزارت دارایی ایجاد شد که هدف آن برقراری هماهنگی در حقوق و مزایای مستخدمان کشوری و به‌طور کلی اجرای اصل حقوق مساوی برای کار مساوی در محدوده نظام طبقه‌بندی مشاغل بود.

از اصطکاک بین سازمان‌هایی که عملیات مشابه انجام می‌دهند، از سویی و لزوم تحول اقتصادی کشور از سوی دیگر، پیشنهاد شد تا اجرای برنامه از طریق همکاری بین دوایر دولتی و سازمان‌های وابسته به دولت از یک طرف و سازمانی خاص به نام «سازمان برنامه» از طرف دیگر، انجام شود. به این ترتیب در مهر ماه ۱۳۲۷ اداره‌ای به نام «اداره دفتر کل برنامه» تأسیس شد که بعداً این اداره، «سازمان موقت برنامه»، نام گرفت. در نهایت طبق قانون مصوب ۲۶ بهمن ۱۳۲۷ مجلس شورای ملی «سازمان برنامه»، برای به انجام رسانیدن برنامه‌های عمرانی به وجود آمد.

با تصویب قانون برنامه و بودجه در ۱۵ اسفند ۱۳۵۱، سازمان برنامه به دلیل انتقال وظیفه تهیه و تدوین تمام بودجه به آن، «سازمان برنامه و بودجه» نامیده شد.

سازمان امور اداری و استخدامی کشور

در سال ۱۳۳۴ شمسی «اداره کل طبقه‌بندی مشاغل»، وابسته به وزارت دارایی ایجاد شد که هدف آن برقراری هماهنگی در حقوق و مزایای مستخدمان کشوری و به‌طور کلی اجرای اصل حقوق مساوی برای کار مساوی در محدوده نظام طبقه‌بندی مشاغل بود. در سال ۱۳۳۷ اداره کل یادشده، به «سازمان خدمات کشوری»، تغییر نام یافت و از وزارت دارایی منتزع شد و تحت نظر نخست‌وزیر قرار گرفت. فکر تجدیدنظر در مقررات استخدامی و ایجاد مرکزی برای نظارت در امور استخدامی کشور روز به روز قوت بیشتری گرفت تا اینکه در سال ۱۳۴۰، «شورای عالی اداری کشور»، به‌وجود آمد و کار تدوین قانون استخدام کشوری را از سر گرفت. شورای عالی اداری با بررسی تمام قوانین و مقررات استخدامی کشور و بررسی و مقایسه مقررات استخدامی کشور با چندین کشور پیشرفته و در حال توسعه و بحث و مذاکره با صاحب‌نظران، طرح مقدماتی لایحه استخدام کشوری را تهیه کرد. این لایحه پس از بررسی و تجدیدنظر در هیأت ریسه شورای عالی اداری کشور و کمیسیون منتخب در هیأت دولت و کمیسیون استخدام مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۳۴۵/۳/۳۱ در یازده فصل به تصویب رسید و به موجب

این قانون شورای عالی اداری خود را به سازمانی تحت عنوان «سازمان امور اداری و استخدامی کشور» داد.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور شورای عالی اداری در هشتاد و ششمین جلسه، مورخه ۱۳۷۸/۱۲/۱۱، به منظور تحقق مطلوب وظایف و اختیارات رییس جمهوری، موضوع اصل یکصد و بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تأمین یکپارچگی در مدیریت کلان کشور، هم‌سویی نظام‌های مدیریتی با برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت، تمرکز وظایف و فعالیت‌های مرتبط و پیوسته و متجانس با یکدیگر در امور برنامه‌ریزی، کاهش تداخل و توازی وظایف سازمان‌های ستادی، ارتقای توان کارشناسی و تصمیم‌سازی دولت و فراهم کردن زمینه تحقق مطلوب برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

شورای عالی اداری در یکصد و سی و سومین جلسه خود به ریاست رئیس جمهوری در تیرماه ۱۳۸۶، تغییر سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور را به عنوان دو معاونت «برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری» و «مدیریت و توسعه منابع انسانی» به

کشور تصویب کرد:

«سازمان امور اداری و استخدامی کشور و سازمان برنامه و بودجه با تمام وظایف، اختیارات و مسؤولیت‌های قانونی و نیروی انسانی و امکانات خود ادغام شده و نام آن به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تغییر می‌یابد.»
نمودار تشکیلاتی این سازمان در تاریخ ۱۳۷۹/۴/۱۷ تصویب شد و به اجرا درآمد.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با برخورداری از تشکیلاتی جامع، در چارچوب قوانین و مقررات، عهده‌دار وظایف متعددی بوده که عمده‌ترین آنها عبارت است از:

۱- برنامه‌ریزی:

- انجام مطالعات و بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی و پیش‌بینی منابع کشور به منظور تهیه برنامه و بودجه.
- تهیه و تنظیم برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت به منظور نیل به توسعه پایدار و همه‌جانبه در کشور.

۲- بودجه‌ریزی:

- پیشنهاد خط مشی‌ها و سیاست‌های مربوط به بودجه کل کشور به شورای اقتصاد.
- تهیه و تنظیم بودجه سالانه کشور با همکاری مؤسسات ذی‌ربط.

۳- نظارت و ارزیابی:

- نظارت مستمر بر اجرای برنامه‌های توسعه و پیشرفت سالانه آنها.
- نظارت و ارزیابی کارایی و عملکرد دستگاه‌های اجرایی کشور.

- نظارت و ارزیابی طرح‌های عمرانی کشور.

۴- امور فنی:

- استقرار نظام فنی و اجرایی طرح‌های عمرانی کشور از

طریق تدوین ضوابط فنی و اجرایی طرح‌ها.
- سازماندهی و ارزشیابی عملکرد عوامل فنی و اجرایی از طریق تهیه، تدوین، اجرا و نظارت بر اجرای ضوابط مربوط به تشخیص صلاحیت فنی و ارجاع کار به واحدهای تهیه و اجراکننده طرح‌های عمرانی.

۵- امور انفورماتیک:

- برگزاری و اداره جلسات شورای عالی انفورماتیک کشور براساس آیین‌نامه مربوط و پیگیری و اجرای مصوبات شورا.
- تهیه، تدوین و ابلاغ آیین‌نامه‌ها، ضوابط و دستورالعمل‌های مربوط به فعالیت‌های کامپیوتری و احراز صلاحیت و طبقه‌بندی شرکت‌های کامپیوتری.
- هماهنگی و نظارت بر امور شرکت‌های کامپیوتری.
- صدور مجوز برای واردات تجهیزات کامپیوتری.

۶- امور استخدامی:

- مراقبت در حسن اجرای قوانین و مقررات استخدامی کشور در وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مشمول قانون.
- ارائه دستورالعمل‌های لازم درباره نحوه اجرای قوانین و مقررات استخدامی کشور به منظور ایجاد هماهنگی.
- انجام مطالعات و تحقیقات لازم در امور استخدامی و ارائه پیشنهادها و نظرهای مشورتی به دولت.

۷- امور تشکیلات و روش‌ها:

- اصلاح ساختار دولت و تمرکززدایی.
- بررسی و تهیه پیشنهادها درباره هدف‌ها و وظایف وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی.
الحاق سازمان مدیریت استان‌ها به استانداری‌ها
رئیس جمهوری در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۶ با صدور دستورالعملی خطاب به معاون اول رئیس جمهوری، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزیر کشور و استانداران سراسر کشور چگونگی الحاق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استانها به استانداری‌ها را ابلاغ کرد.

براساس این دستورالعمل که به استناد اصل ۱۲۶ قانون اساسی صادر شده، از آغاز سال ۸۶ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی هر استان با همه پست‌های سازمانی، ردیف‌ها و اعتبارات به استانداری مربوطه منتقل و به نام معاونت برنامه‌ریزی استانداری شناخته می‌شود و وظایف برنامه‌ریزی و امور اقتصادی معاونت کنونی برنامه‌ریزی، اداری و مالی استانداری‌ها نیز به این معاونت منتقل خواهد شد.

همچنین معاونت برنامه‌ریزی، اداری و مالی کنونی استانداری‌ها به معاونت اداری و مالی تبدیل می‌شوند. رؤسای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان‌ها نیز به پیشنهاد استاندار و با حکم وزیر کشور به عنوان معاون برنامه‌ریزی استاندار منصوب شده و انجام وظیفه خواهند کرد.

... و سرانجام مصوبه شورای عالی اداری

شورای عالی اداری در یکصد و سی و سومین جلسه خود به ریاست رئیس جمهوری در تیرماه ۱۳۸۶، تغییر سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور را به عنوان دو معاونت «برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری» و «مدیریت و توسعه منابع انسانی» به تصویب کرد.

از دیوان محاسبات چه می دانید؟

احسان آقاجانی معمار (اقتصاد ۸۳)

مقدمه:

بطور کلی میتوان تاریخ حساب را قبل از تاریخ خط و کتابت و از زمان انسانهای ابتدائی تلقی کرده و شمارش را اولین رابطه کمی و عملی انسانها دانست زیرا قدیمی ترین مدارک مکتوب در جهان از صورتحساب و واژه نامه ها تشکیل میگردد. و بالطبع نگاهداشتن حساب چیزها یکی از نیازهای انسان اجتماعی است حسابداری و حسابدگی از عصر سومری ها آغاز و در عصر رنسانس در اروپا حسابداری بعنوان دفترداری دوطرفه وجود پیدا کرده است و سپس دولتها بعنوان اهرم کنترل دخل و خرج از آن استفاده نموده اند. «سیستم ثبت و ضبط معقول» ناشی از مسئولیت حکمرانان در برابر مردم و در میان سلسله مراتب خود جایگاهی ویژه پیدا کرده و در ایران نیز از دوره هخامنشیان نظام مالی وجود داشته است. بعد از اینکه ایرانیان به دین اسلام مشرف شدند در

تفریح حساب جاری» مطالبی است که زیر بنای حسابداری و حسابرسی را تعیین نمودند.

تاریخچه:

دیوان محاسبات کشور طبق اصول ۱۰۱ تا ۱۰۳ قانون اساسی و متمم آن در سالهای ۱۲۵۸ و ۱۲۸۶ هجری و شمسی موجودیت پیدا کرده و قانون آن در دوره دوم ۲۳ صفر ۱۳۲۹ بتصویب رسیده است. ساختار دیوان محاسبات بنحوی بوده است که رئیس آن بطور فردی و اعضاء محکمه آن بطور جمعی از طرف مجلس شورای ملی انتخاب می شدند. دیوان محاسبات در سال ۱۳۰۲ منحل گردیده و در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی مجدداً تأسیس گردید که سه شعبه مستشاری داشته و رئیس شعبه اول ریاست دیوان محاسبات را نیز عهده دار بوده و هر شعبه تعداد کافی ممیز حساب داشته است.

بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۵۸ مطابق اصول ۵۴ و ۵۵، دیوان محاسبات کشور از وزارت امور اقتصادی و دارائی منفک و تحت اداره مستقیم مجلس شورای اسلامی و بعنوان سازمانی مستقل موجودیت یافت. قانون دیوان محاسبات کشور در سال ۱۳۶۱ به تصویب رسیده و بعدها اصلاحاتی در آن بعمل آمده است.

تعریف:

دیوان محاسبات کشور مؤسسه ای دولتی است که در امور مالی و اداری مستقل می باشد و زیر نظر مجلس شورای اسلامی بعنوان بازوی نظارتی آن عمل می نماید. این دیوان به کلیه حسابهای وزارتخانه، مؤسسات، شرکتهای دولتی و سایر دستگاههایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می کنند به ترتیبی که قانون مقرر می دارد رسیدگی یا حسابرسی می نماید که هیچ هزینه ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده

دیوان محاسبات کشور مؤسسه ای دولتی است که در امور مالی و اداری مستقل می باشد و زیر نظر مجلس شورای اسلامی بعنوان بازوی نظارتی آن عمل می نماید.

اداره امور حسابرسی مشاغلی چون وزیر و والی، حاسب (به کلیه کارکنان امور مالی که در محاسبات دخل و خرج مملکت فعالیت داشته اند «حاسب» گفته میشود)، قاسم، عامل زکات و امثالهم وجود داشته است. در دوره صفویه و قاجاریه امور مالی از اوضاع بهتری برخوردار شده بطوریکه امیرکبیر اولین وزارتخانه (مالیه) را تأسیس نمود و از سال ۱۲۲۵ هجری قمری یکی از رشته های مدرسه دارالفنون به «حسابداری» اختصاص داده شده و به فارغ التحصیلان این رشته مدرک ارائه میشده است. بعد از تصویب متمم قانون اساسی در ۱۲۸۶ هجری شمسی «محاسبات» و

د- کنترل عملیات و فعالیتهای مالی کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات شرکتهای دولتی و سایر دستگاههایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند.

ه- بررسی و حسابرسی وجوه مصرف شده و درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار در ارتباط با سیاستهای مالی تعیین شده در بودجه مصوب با توجه به گزارش عملیاتی و محاسباتی مأخوذه از دستگاههای مربوطه

و- تهیه و تدوین گزارش تفریح بودجه بانضمام نظرات خود و ارائه آن به مجلس شورای اسلامی.

همچنین وظایف و اختیارات دیوان محاسبات کشور بر اساس

دیوان محاسبات دادگاهی است مالی که مأمور معاینه و تفکیک محاسبات اداره مالیه و تفریح کلیه حسابداران خزانه بوده و نیز نظارت می‌کند که هزینه‌های معینه در بودجه از میزان معین شده تجاوز نکند

مقررات جاری مربوط عبارتست از :

الف- حسابرسی یا رسیدگی کلیه حسابهای درآمد و هزینه و سایر دریافتها و پرداختها و نیز صورتهای مالی دستگاهها از نظر مطابقت با قوانین و مقررات مالی و سایر قوانین مربوط و ضوابط لازم‌الاجراء اعم از وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکتهای دولتی و سایر واحدها که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌نمایند و هر گونه واحد اجرایی که بر طبق اصول ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی مالکیت عمومی بر آنها مترتب است و یا واحدهایی که شمول مقررات عمومی در مورد آنها مستلزم ذکر نام است.

ب- بررسی وقوع عملیات مالی در دستگاهها به منظور اطمینان از حصول و ارسال صحیح و بموقع درآمد و یا انجام هزینه و سایر دریافتها و پرداختها

ج- رسیدگی به موجودی حساب اموال و دارائیهای دستگاهها

د- بررسی جهت اطمینان از برقراری روشها و دستورالعملهای مناسب مالی و کاربرد مؤثر آنها در جهت نیل به اهداف دستگاههای مورد رسیدگی

ه- اعلام نظر در خصوص لزوم وجود مرجع کنترل کننده داخلی و یا عدم کفایت مرجع کنترل کننده موجود در دستگاههای مورد رسیدگی با توجه به گزارشات حسابرسی‌ها و رسیدگیهای انجام شده جهت حفظ حقوق بیت‌المال

و- رسیدگی به حساب کسری ابوابجمعی و تخریفات مالی و هرگونه اختلاف حساب مأمورین ذیربط دولتی در اجرای قوانین و مقررات مربوط

ز- اقدام در حفظ حقوق بیت‌المال در حدود قوانین و مقررات مالی

ح- تنظیم دادخواست علیه مسئول یا مسئولین خاطی از مقررات مالی و طرح در هیئت‌های مستشاری

ط- رسیدگی به مورد کسری ابوابجمعی مسئولین و طرح دادخواست علیه آنها و صدور آراء متناسب با موضوع مطروحه

منبع:سایت دیوان محاسبات کشور

باشد. دیوان محاسبات حسابها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریح بودجه هر سال را به انضمام نظارت خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید.

تفریح بودجه نشانگر درجه تطبیق یا عدم تطابق عملیات انجام شده توسط دولت بر مبنای محاسبات پیش بینی شده است به عبارت دیگر تفریح بودجه نتیجه نهایی نظارت بعد از خرج است

دیوان محاسبات در اصطلاح حقوقی چنین تعریف شده است: دیوان محاسبات دادگاهی است مالی که مأمور معاینه و تفکیک محاسبات اداره مالیه و تفریح کلیه حسابداران خزانه بوده و نیز نظارت می‌کند که هزینه‌های معینه در بودجه از میزان معین شده تجاوز نکند و تغییر و تبدیل نیابد و هر وجهی در محل خود صرف شود و نیز مکلف است که در امر معاینه و تفکیک محاسبات ادارات دولتی و جمع‌آوری سند خرج محاسبات و صورت کلیه محاسبات مملکتی اقدام نماید.

ساختار :

دیوان محاسبات جمهوری اسلامی ایران مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی است و در امور مالی و اداری استقلال دارد و اعتبار مورد نیاز آن با پیشنهاد دیوان و تایید کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی جداگانه در لایحه بودجه کل کشور منظور میشود. رئیس و دادستان دیوان محاسبات پس از افتتاح هر دوره قانونگذاری به پیشنهاد کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی و تصویب نمایندگان مردم انتخاب میشوند. مقر دیوان محاسبات کشور در تهران بوده و در مراکز استانها نیز ادارات کل مستقر میباشند. ۳ تا ۷ هیئت مستشاری و یک محکمه تجدید نظر و تعدادی کافی دادیار دادسرای دیوان از دیگر اعضاء دیوان محاسبات کشور هستند. جهت تعیین اعضاء هیئت مستشاری رئیس دیوان محاسبات به ازای هر هیئت مورد نیاز ۵ نفر افراد واجد شرایط را به کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی معرفی و کمیسیون مزبور نیز به ازای هر هیئت ۳ نفر را بعنوان اعضاء اصلی و یک نفر را بعنوان عضو علی‌البدل انتخاب و به دیوان اعلام می‌نماید و رؤسای شعب از طرف رئیس دیوان محاسبات تعیین و منصوب میگردند.

دیوان محاسبات کشور علاوه بر ستاد مرکزی مستقر در پایتخت، در کلیه مراکز استانها نیز به موجب قانون تشکیلات استانی دارد.

اهداف، وظایف و اختیارات :

مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مقررات جاری مربوط، اهداف دیوان محاسبات کشور عبارتند از :

الف- اعمال کنترل و نظارت مستمر مالی به منظور پاسداری از بیت‌المال.

ب- عدم تجاوز هرگونه هزینه از اعتبارات مصوب در بودجه کل کشور.

ج- مصرف هرگونه وجهی از بودجه کل کشور در محل مصرف قانونی تعیین شده.



ایران آینده ...

در ایران برنامه ریزی‌های بلندمدت از اواخر دهه ۱۳۲۰ شروع و در اوایل دهه ۱۳۵۰ بحث ضرورت توجه به برنامه ریزی فضایی در ابعاد ملی مطرح شد، لیکن به دلایلی از جمله نبود نیروهای انسانی باتجربه و متخصص بومی، با شرکت فرانسوی ستیران قراردادی منعقد و این شرکت در سال ۱۳۵۴ نخستین طرح آمایش سرزمین را تهیه کرد تا برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور بر مبنای طرح مذکور تنظیم و به اجرا درآید. همچنین در سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴، به علت افزایش درآمد نفتی، تدوین چشم انداز بلندمدت بیست ساله برای بخشهای مختلف اقتصادی در دستور کار سازمان برنامه و بودجه آن زمان قرار گرفت، لیکن به دلیل نبود انسجام در روش تهیه و تدوین چشم انداز و مشکلات دیگر، کارهای در دست اقدام عقیم ماند. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پشت سر گذاشتن بحران‌های مختلف و جنگ تحمیلی، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت و کلان

در دولت دوم آقای هاشمی رفسنجانی، نگاه بلندمدت به آینده ایران در قالب «ایران ۱۴۰۰» مورد توجه قرار گرفت و سازمان برنامه و بودجه طی سالهای ۷۶-۱۳۷۵ مسئول تدوین برنامه بلندمدت ۲۰ ساله ایران شد

غیرممکن بود. پس از سال‌های پایانی دهه شصت مجدداً برنامه ریزی کلان در سطح ملی، تدوین سیاست‌های کلان و بالاخره چشم انداز مورد توجه مسئولان کشور قرار گرفت. شایان ذکر است در سال ۱۳۶۳ طرح آمایش سرزمین جمهوری اسلامی (به عنوان مبانی برنامه ریزی بلندمدت) تهیه گردید و در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ نیز این طرح مورد اصلاح و بازنگری مجدد قرار گرفت، با این حال به مرحله اجرا نرسید و صرفاً بستر لازم را برای گام‌های بعدی فراهم آورد. در دهه هفتاد، پس از بازسازی کشور، شرایط برنامه‌ریزی مهیا گردید و وزارت مسکن و شهرسازی با درک ضرورت

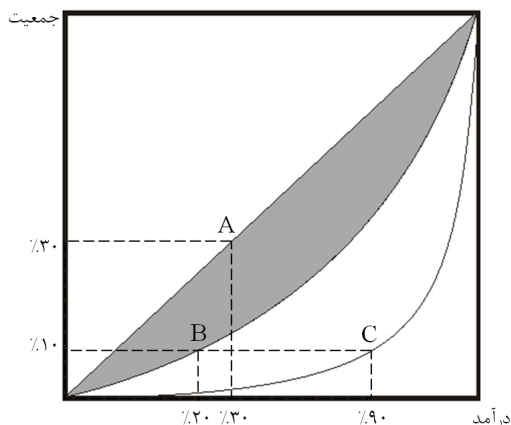
برنامه‌ریزی فضایی، بخشی از کارشناسان را در مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری مامور کرد تا طرح کالبد ملی را برای مکان یابی شهرهای در حال توسعه و جدید تهیه کند. در همین دهه با توجه به پایان دوران دفاع مقدس و آغاز برنامه سازندگی در کشور، ضرورت برنامه‌ریزی بلندمدت برای انسجام فعالیت‌ها، بیش از پیش احساس شد. در واقع از این مقطع به بعد، رویکرد کشور به داشتن برنامه‌های کلان در ابعاد مختلف آهنگ سریعتری یافت. به عبارت دیگر، در دولت دوم آقای هاشمی رفسنجانی، نگاه بلندمدت به آینده ایران در قالب «ایران ۱۴۰۰» مورد توجه قرار گرفت و سازمان برنامه و بودجه طی سالهای ۷۶-۱۳۷۵ مسئول تدوین برنامه بلندمدت ۲۰ ساله ایران شد. در این طرح، دستگاه‌های مختلف، برنامه‌های بلندمدت خاص خود را برای زمان ۲۰ تا ۲۵ ساله طراحی و تدوین نمودند و در مجموعه جایگاه برنامه ریزی در کشور و انطباق کلیه کارها با برنامه‌ها و نیز داشتن برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برای اقدامات بزرگ در سطح ملی مورد توجه ویژه قرار گرفت. طرح «ایران ۱۴۰۰» مراحل کارشناسی را طی کرد لیکن این طرح نیز به مرحله تصمیم‌گیری رسمی و قانونی نرسید.

پس از شروع به کار دوره جدید مجمع تشخیص مصلحت نظام و بنا به رهنمودهای مقام معظم رهبری در نخستین نشست دوره جدید اعضای مجمع با ایشان که در اوایل سال ۸۱ برگزار شد، کمیسیونی خاص در مجمع تشخیص مصلحت تشکیل شد تا ساز و کاری مؤثر و کارآمد برای نظارت عالی بر طرح‌های کلان و سیاست‌گذاری‌های بلندمدت ایجاد شد. نتیجه کار این کمیسیون در نهایت و پس از جلسات متعدد بین سران نظام و با نظارت رهبری، نهایتاً سند چشم انداز بیست ساله نظام تدوین و توسط مقام معظم رهبری اعلام شد.

منبع: محسن رضایی میرقائد و علی مبینی دهکردی (۱۳۸۵)، «ایران آینده»

اقتصاد برای همه:

قصه‌های قدیمی فقر!



عبدالحسین جلالی (اقتصاد ۸۳)

فهمید که وضعیت فقر در یک جامعه چگونه است. نمودار مهمی که ضریب جینی بوسیله آن استخراج می‌شود **منحنی لورنز** است که به طور ساده به تشریح آن می‌پردازیم. خط ۴۵ درجه در نمودار حالتی را نشان می‌دهد که توزیع ثروت در جامعه کاملاً برابر است: مثلاً در نقطه A روی نمودار ۳۰ درصد مردم جامعه ۳۰ درصد ثروت جامعه را دارا هستند. در واقع خط ۴۵ درجه یک حالت آرمانی را در مورد توزیع ثروت جامعه نشان می‌دهد که در واقعیت به ندرت اتفاق می‌افتد در این نمودار خط مورب یا منحنی لورنز ۲ مقدار واقعی توزیع ثروت در جامعه را نشان می‌دهد و می‌گوید هر چه از خط ۴۵ درجه فاصله بگیریم توزیع ثروت در جامعه نابرابرتر خواهد بود.

به طور مثال نقطه B روی نمودار نشان می‌دهد که ۲۰ درصد مردم جامعه فقط ۱۰ درصد از ثروت جامعه را دارا هستند وحشتناک ترین حالت زمانی پیش می‌آید که در محدوده نقطه C باشیم که همانطور که در نمودار می‌بینید ۱۰ درصد مردم جامعه صاحب بیش از ۹۰ درصد ثروت جامعه هستند که نشان از توزیع ناعادلانه بسیار بالای ثروت در آن جامعه دارد. سپس هر چه منحنی لورنز از خط ۴۵ درجه فاصله بگیرد.

توزیع ثروت در جامعه ناعادلانه تر خواهد شد حال اگر مساحت بین خط ۴۵ درجه و خط مورب (منحنی لورنز) را در عدد ۲ ضرب کنیم، ضریب جینی بدست خواهد آمد (عمل ضرب صرفاً برای افزایش مقیاس است) در ادامه جدولی ارائه می‌شود که در آن ضریب جینی برای ایران و برخی کشور را آورده شده است. همانطور که داده‌های جدول نشان می‌دهد بالاترین ضریب جینی متعلق به کشور برزیل با ۵۹۳٪ است که این عدد نشان دهنده عدم موفقیت این کشور در جهت کاهش فاصله طبقاتی و توزیع عادلانه درآمد افراد مختلف این کشور نسبت به دیگر کشورهاست. پایین ترین ضریب جینی هم برای کشور سوئد است با ۲۵٪ که نشان دهنده توزیع درآمد بسیار عادلانه است. ضریب جینی برای ایران معادل ۴۳٪ است که رقمی متوسط را در توزیع عادلانه درآمد نشان می‌دهد.

کشور	ضریب جینی
نروژ	۰/۲۵۸
سوئد	۰/۲۵
آمریکا	۰/۴۰۸
آلمان	۰/۲۸۳
کره	۰/۳۱۶
مکزیک	۰/۵۴۶
مالزی	۰/۴۹۲
برزیل	۰/۵۹۳
چین	۰/۴۴۷
تونس	۰/۳۹۸
ایران	۰/۴۳
مصر	۰/۳۴۴
پاکستان	۰/۳۳
زامبیا	۰/۵۲۶

در دنیای پرهیاهوی کنونی که خیلی کشورها داعیه علم و فن آوری ورهبری دنیا را دارند، هنوز در خیلی کشورها حتی در همان کشورهای مدعی انسان‌های زیادی حتی قادر به تأمین نیازهای اولیه زندگی خود هم نیستند در این سطور سعی شده چند مفهوم اقتصادی با موضوع فقر برای خوانندگان عزیز بیان شود و با استفاده از داده‌های آماری که از سایت‌های معتبری مثل بانک جهانی گرفته شده امکان مقایسه وضعیت کشورمان را با کشورهای منطقه و جهان فراهم آوریم:

۱- فقر: فقر به شرایطی گفته می‌شود که براساس آن افراد یک جامعه حداقل نیازهای مادی جهت تداوم حیات خود را بدست می‌آورند. بیان این نکته ضروری است که تنها نازل بودن سطح درآمد به معنی فقر نیست بلکه مسئله مقدار کالایی است که می‌توان با آن درآمد تأمین کرد تا بتوان نیازهای اولیه خانوار را برآورده ساخت. فرض کنید فرد مجردی ۱۰۰ هزار تومان درآمد داشته باشد و این فرد بتواند به آسانی نیازهای مادی خود را تأمین کند بنابراین وی فقیر محسوب نمی‌شود در حالی که اگر فردی دارای یک خانواده چهارنفره باشد ممکن است این درآمد تکافوی نیازهای مادی وی و خانواده اش را ندهد به همین ترتیب خط فقر که بنا به تعریف برای مقدار معینی درآمد رسم می‌شود و کلیه افراد جامعه که درآمد کمتری از آن دارند، فقیر محسوب می‌شوند نیز برای گروه‌های مختلف درآمدی متفاوت است.

۲- ضریب جینی: یکی از وظایف مهم دولت‌ها، توزیع عادلانه درآمد در میان افراد مختلف جامعه است باید ابزاری وجود داشته باشد تا بتوان به کمک آن میزان توزیع عادلانه درآمد و اینکه توزیع درآمد چقدر عادلانه است را نشان داد. اقتصاددانان برای محاسبه میزان برابری و عدالت در توزیع درآمد از شاخصی به نام ضریب جینی استفاده می‌کنند. این ضریب همواره بین صفر و یک قرارداد و هر چه این شاخص به صفر نزدیک باشد توزیع درآمد عادلانه تر بوده و به برابری کامل نزدیک تر است و برعکس هر چقدر ضریب جینی به یک نزدیک تر باشد. بیانگر نابرابری و توزیع درآمد و مصرف است. در واقع ضریب جینی شاخصی برای فقر است و به کمک آن می‌توان

http://pwt.econ.upenn.edu

محمد جواد رضائی - مهدی موحدی (اقتصاد ۸۳)

Penn World Table, Center for International Comparisons, University of Pennsylvania - Microsoft Internet Explorer

File Edit View Favorites Tools Help

Address http://pwt.econ.upenn.edu/

About CIC Penn World Table About ICP Research Papers Contact Us

Center for International Comparisons at the University of Pennsylvania



Center for International Comparisons of Production, Income and Prices
University of Pennsylvania
3718 Locust Walk
Philadelphia, PA 19104-6297
(215) 898-7624

Announcements

We just added PWT 6.2 to our online data retrieval system.

Three output formats are provided: html table, SAS data and comma delimited data file. For the users who still prefer downloading the previous excel tables, we keep the old download links. For more details, please click [here](#).

دراست- شامل متغیرهای اقتصادی ۱۸۸ کشور جهان از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۴ می باشد. پس از ورود به PWT6.2 با انتخاب کشورها، متغیرها و حتی سال یا سالهای مورد نظر، به داده های مربوطه آن هم به شکل مقایسه ای دست پیدا خواهید کرد. این بانک اطلاعاتی شامل متغیرهایی همچون نرخ مبادله ارز، سرانه تولید ناخالص داخلی، نسبت GDP به GNP، نرخ رشد GDP و دهها متغیر دیگر است.

سایت معرفی شده در این شماره، یکی از سایت های وابسته به دانشگاه پنسیلوانیا است که می تواند داده های مفیدی را از متغیرهای کلان اقتصادی در اختیار شما قرار دهد. پس از ورود به سایت <http://pwt.econ.upenn.edu> با کلیک بر گزینه Penn World Table دو پایگاه داده های اقتصادی در دسترس کاربران قرار خواهد گرفت. PWT6.1 که شامل داده های کلان اقتصادی ۱۶۸ کشور جهان از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ می باشد؛ و PWT6.2 که جدیدتر از نسخه قبلی خود بوده و اطلاعات آن را نیز

Step 1. highlight the countries you are interested in and add them to the list on the right. ([help](#))

Step 2. check the countries you've selected, remove the ones you don't need. ([help](#))

Afghanistan
Albania
Algeria
Angola
Antigua
Argentina
Armenia
Australia
Austria
Azerbaijan

Australia
China
Iran
Sweden
United Kingdom

use *shift/ctrl* for multiple selections. [details](#)

5 countries are selected

Add Add All Remove Remove All

Step 3. Select the variables that you are interested in. ([help](#))

SELECT ALL VARIABLES

Please click on the underlined variables to see their definitions.

Please note: in PWT, "real" means "PPP converted" instead of "in constant price".

Population
 Exchange Rate
 Purchasing Power Parity over GDP
 Real Gross Domestic Product per Capita
 Consumption Share of CGDP
 Government Share of CGDP
 Investment Share of CGDP
 Price Level of Gross Domestic Product

Internet

شماره ششم - آذرماه ۱۳۸۶

۲۹

همراه با دانشکده...

علی بجروانی (اقتصاد ۸۴)

بشتابید، بشتابید!

در جلسه‌ی شورای پژوهشی دانشکده، با توجه به اجازه ریاست محترم دانشگاه، مقرر شد درآمدهای به دست آمده توسط دانشکده و بالاسری بودجه دانشکده صرف فرصت‌های مطالعاتی اعضای هیأت علمی و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکترا در زمینه‌ی اقتصاد اسلامی شود. به گزارش خبرنگار اعزامی صدر، سقف حمایت از پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد ۳۰ میلیون ریال و دکترا ۱۵۰ میلیون ریال و به تشخیص شورای دانشکده تعیین شده است. شما هم اگر تا کنون بی خیال نشسته اید، بشتابید که فضای حمایت از پایان‌نامه‌های با موضوعات اقتصاد اسلامی داغ داغ است.

و این گرایش‌های کذایی

معاونت آموزشی سابق دانشکده در گفتگو با خبرنگار صدر اعلام کرد که اگر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تا پایان سال جاری با ارایه گرایش‌ها در مقطع کارشناسی ارشد موافقت کند، این گرایش‌ها از دوره کارشناسی ارشد آینده ارایه خواهد شد. این خبر اختصاصاً برای دلگرمی کدهای ۸۳ و ۸۴ درج شده است؛ لطفاً آن را خیلی جدی بگیرید!

از انجمن علمی چه خبر؟!

به حمد الله انجمن علمی دانشجویان اقتصاد هم پس از سال‌ها حرف و شعار، از ابتدای سال جاری رسماً و عملاً شروع به کار کرد. به گفته مهدی احمدی، مسئول انجمن علمی دانشجویان اقتصاد، کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی این انجمن طبق برنامه‌ریزی مشخص و زمانبندی شده شروع شده است.

اولین کارگاه مهارت‌افزایی در روز سه شنبه ۱۳ آذر، با موضوع «مقدمه‌ای بر اشکال تابعی در اقتصاد انرژی» از سری جلسات ارایه ابزارهای مدلسازی اقتصادی، توسط آقای حقیقی ارایه شد. لازم به ذکر است که این کارگاه‌های مهارت‌افزایی به صورت مستقل از هم برگزار می‌شود و اگر کسی نتوانست در یکی از آن‌ها شرکت کند، می‌تواند از کارگاه‌های بعدی استفاده کند.

کلاس آموزش نرم افزارهای SPSS و COMFAR هم طبق قرار قبلی، از این هفته آغاز می‌شود. کلاس SPSS در سه شنبه شب‌ها و توسط آقای کیایی ارایه می‌شود. کلاس COMFAR هم هر هفته پنجشنبه‌ها صبح تا ظهر توسط آقای مریدی ارایه می‌شود. طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده دوره‌ی این کلاس‌ها تا پایان ترم جاری به پایان خواهد رسید.

علاوه بر این‌ها، انجمن علمی دانشجویان اقتصاد، «کرسی‌های نظریه‌پردازی اقتصاد اسلامی» را با کمک تعدادی از دانشجویان دانشگاه برگزار می‌کند. در این جلسات، مباحثی نظیر روش‌شناسی، فلسفه، مبانی و ... اقتصاد اسلامی توسط دانشجویانی که در این زمینه‌ها سابقه داشته‌اند ارایه شده و بعد توسط شرکت‌کنندگان به بحث و نقد گذاشته می‌شود.

امان از اطلاعات به‌روز اداره نشریات!

آقا بعد از چاپ شش شماره از نشریه صدر آن هم به طور منظم و ماهانه، آقایان اداره نشریات دانشجویی مرکز تحقیقات که متولی انتخاب نشریه برتر دانشجویی بوده است، از وجود این نشریه‌ی «وزین» اطلاعی نداشته و از دانشجویان اقتصاد به دلیل کم‌کاری در این حوزه گله داشته‌اند!

تازه اگر ما دیر می‌رسیدیم نشریه‌ی جدیدی برای دانشجویان اقتصاد با نام پیشنهادی «هقتصاد» به چاپ می‌رسید! واقعا از اطلاعات زیاد این عزیزان تشکر می‌کنیم!

به دلیل این اطلاعات به‌روز، نشریه صدر را در ارزیابی نشریات برتر دانشجویی شرکت ندادند. در همین راستا، هیأت مستقل ارزیابی نشریات برتر دانشجویی (همان‌بد) نشریه‌ی صدر را با اختلاف فاحشی نشریه برتر دانشجویی انتخاب کرد.

دانشکده جوان تر شد!

بازار نقل و انتقالات این ماه دانشکده خیلی داغ بود. یکی دو هفته پیش زمزمه‌هایی مبنی بر یک سری تغییرات به گوش می‌رسید ولی از آن جایی که در دانشکده برد و دامنه‌ی شایعات بسیار زیاد است، خیلی قابل اعتنا نبودند؛ تا آنجا که خبر رسید آقای پیغامی، معاون پژوهشی سابق، به سفر حج مشرف شدند و دانشکده بی‌معاون پژوهشی ماند! بعد هم خبر رسید که آقای نعمتی، از دانشجویان ورودی سال ۷۷ دانشکده که فعلاً مشغول نوشتن تز دکترای خود در دانشگاه تهران است، مسئولیت این امر را پذیرفته است. بنا به گزارش خبرنگار صدر، آقای نعمتی هنوز هیچ برنامه‌ای را اعلام نکرده‌اند و فعلاً در حال شناسایی و آشنایی با ظرفیت‌های دانشکده و دانشجویان معارف اسلامی و اقتصاد است. اما وی قول داده که تا یک ماه دیگر برنامه‌های خود را برای دو سال آینده اعلام کند.

اما خبر دیگر از دانشکده این که آقای عبدالملکی، از دانشجویان ورودی ۷۸ دانشگاه که او هم مشغول نوشتن تز دکترای خود در دانشگاه اصفهان است، به سمت معاونت آموزشی دانشکده منصوب شده است. البته از قبل هم احتمال تغییر آقای دکتر ندری، معاون آموزشی سابق، به دلیل بی‌میلی و مشغله‌ی زیاد ایشان، داده می‌شد.

بر و بچه‌های صدر امیدوارند که این دو مسئول جدید وقت بیشتری را صرف وظایف خود در دانشکده بکنند تا دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد از این خمودگی و روزمرگی خارج شود. ما که پایه‌ایم!

یک خبر داغ داغ

در حال حاضر، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)، مدیر گروه فقه اقتصاد ندارد. بنا به گفته منابع اطلاعاتی ما، پس از استعفای دکتر عسکری از سمت مدیریت گروه فقه اقتصاد به دلیل مشغله‌ی زیاد، هنوز مسئولین دانشکده فرد جایگزینی را معرفی نکرده‌اند. امیدواریم با معرفی مدیر گروه جدید، فقه اقتصاد از این بلاتکلیفی خارج شود!



شماره ششم - آذرماه ۱۳۸۶

ایران چهارمین اقتصاد بزرگ کشورهای اسلامی

صندوق بین المللی پول اعلام کرد ایران پس از ترکیه، اندونزی و عربستان به عنوان چهارمین اقتصاد بزرگ در میان ۵۱ کشور اسلامی شناخته شده است. براساس گزارش چشم انداز جهانی صندوق بین المللی پول، ایران با تولید ناخالص داخلی بیش از ۲۲۲ میلیارد دلار به عنوان چهارمین اقتصاد بزرگ در جهان اسلام شناخته شده است.

تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۰۶ به ۳۸۷/۲۲۲ میلیارد دلار رسید که بدین ترتیب این کشور بالاتر از کشورهای مثل مالزی، پاکستان، نیجریه و مصر به عنوان چهارمین اقتصاد بزرگ در میان ۵۱ کشور اسلامی شناخته شده است.

ترکیه با تولید ناخالص داخلی ۴۰۱ میلیارد دلاری در رتبه نخست از این نظر قرار گرفته و اندونزی با ۳۶۴ میلیارد دلار و عربستان با ۳۴۹ میلیارد دلار در رتبه های دوم و سوم جای گرفته اند. میزان تولید ناخالص داخلی برخی کشورهای اسلامی به ترتیب از رتبه پنجم تا پانزدهم به این شرح است: امارات ۱۶۳ میلیارد دلار، مالزی، ۱۴۸، پاکستان، ۱۲۷، نیجریه، ۱۱۶، الجزایر، ۱۱۳، مصر، ۱۰۷، کویت، ۹۵، قزاقستان، ۸۱، مراکش، ۶۵، بنگلادش ۶۴ و قطر ۵۲/۵ بر اساس این گزارش تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۰۷ به ۲۷۸ میلیارد دلار می رسد و در این سال ایران همچنان در جایگاه چهارم از این نظر قرار خواهد داشت.

جنجال بر سر واردات شکر

به گزارش خبرنگار مهر، وزیر کار و امور اجتماعی اخیراً در نامه ای به رئیس جمهوری نسبت به واردات بی رویه محصولات نهایی به کشور به خصوص ورود گسترده شکر که به تولید کنندگان داخلی لطمات جبران ناپذیری وارد می کند و همچنین تصمیم سازهای مغایر با تولید ملی در بخش بازرگانی اظهار نگرانی کرده است.

آمار رسمی گمرک جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد در هفت ماه امسال ۸۳۵/۷ هزار تن قند و شکر به ارزش ۲۹۵/۱ میلیون دلار وارد کشور شده است.

در سال ۱۳۸۵ از ابتدا تا انتهای سال ۲/۴۵۰ میلیون تن شکر و قند به طور رسمی وارد کشور شد. در همین مدت ۱/۴ میلیون تن قند و شکر داخلی هم تولید شد که ۷۰۰ هزار تن از محل نیشکر و حدود ۷۰۰ هزار تن از محل کاشت چغندر قند حاصل شد.

گمرک ایران میزان واردات رسمی شکر در سال گذشته را با ۳۵ برابر رشد نسبت به سال ۸۴ معادل دو میلیون و ۴۸۱ هزار تن اعلام کرده است.

از دیگر سو، وزارت صنایع و معادن نیز اعلام کرده به منظور جلوگیری از واردات بی رویه شکر و برای حمایت از تولیدات

داخل، مشکلات صنعت شکر را برطرف می کند.

محمدصادق مفتاح معاون وزیر بازرگانی در گفتگو با خبرنگار مهر با بیان اینکه دولت برنامه ای برای خرید شکر کارخانجات نداشته است، گفت: اگر دولت شکر کارخانجات را خریداری کند آنگاه پرداخت ما به التفاوت معنا نمی یابد.

وی تصریح کرد: بر این اساس قیمت ۱۶۰ تومانی به صورت علی الحساب تعیین شده تا قیمت پایه شکر از رقم ۴۰۰ تومانی درب کارخانه بالاتر نرود.

واگذاری بانک ملت به بخش خصوصی / دولت بار مالی لایحه اصل ۴۴ را پذیرفت

مدیرعامل سازمان خصوصی سازی از پذیرش بار مالی لایحه اصل ۴۴ توسط دولت، واگذاری اول بانک دولتی تا ۲ هفته آینده و عرضه سهام پتروشیمی فناوران تا پایان ماه جاری خبر داد.

غلامرضا حیدری کردزنگنه در گفتگو با مهر از پذیرش بار مالی اجرای لایحه اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی دولت در جلسه یکشنبه دولت خبر داد و گفت: در این جلسه مقرر شد که دولت بار مالی ناشی از اجرای سیاستهای اصل ۴۴ که از سوی شورای نگهبان مغایر با اصل ۷۵ قانون اساسی شناخته شده بود، بپذیرد.

دولت در این جلسه مقرر کرد که تادیه بدهی های دولت، به افزایش سرمایه بانکها مطرح شده در ماده ۳ الحاقی این لایحه اضافه شود. همچنین دولت این مصوبه را با این ملاحظه از تصویب گذارند که بار مالی ناشی از تقبل سهم کارفرمایان برای بیمه کردن شاغلان در تعاونی ها را نمی پذیرد.

وی همچنین از واگذاری ۵ درصد سهام بانک ملت تا دو هفته آینده در بورس خبر داد و اظهار داشت: کارهای آماده سازی واگذاری سهام دو بانک ملت و تجارت در حال انجام است.

فاز ۱۲ پارس جنوبی سالانه ۶ میلیارد دلار برای کشور در آمد ایجاد می کند

غلامرضا منوچهری، مدیر عامل شرکت پترو پارس، با اشاره به ارزش اقتصادی فاز ۱۲ پارس جنوبی گفت: با فرض کمترین قیمت ها این فاز سالانه ۶ میلیارد دلار درآمد برای کشور ایجاد می کند که معادل ۳/۵ درصد تولید ناخالص ملی است.

دکتر غلامرضا منوچهری اظهار داشت: با توجه به قراردادی که میان شرکت پتروپارس و شرکت مهندسی و ساخت تأسیسات دریایی امضا شد، این شرکت به عنوان پیمانکار، مسئولیت ساخت سه عرشه مربوط به سکوهایی این فاز را برعهده خواهد داشت.

وی گفت: مبلغ اولیه قرارداد ساخت این عرشه ها ۳۶۰ میلیون دلار (۱۲۰ میلیون دلار برای هر عرشه) است که با توجه به نوسان های قیمت های کنونی انتظار می رود که پیمانکار اجرای

برندگان نوبل اقتصاد ۲۰۰۷

مسلم بمانپور (اقتصاد ۸۳)

لئونید هارویز، اریک یاسکین و روجر میرسین جایزه نوبل اقتصاد سال ۲۰۰۷ را به خود اختصاص داده‌اند. بنا به گفته کمیته‌ی جایزه‌ی نوبل، اثر این سه محقق «شالوده‌ی» نظریه‌ی طراحی ساز و کار (مکانیسم) را ایجاد کرده است.

این تئوری به اقتصاددانان این امکان را می‌دهد تا بین شرایطی که بازار خوب عمل می‌کند و زمانی که بازار به خوبی عمل نمی‌کند تمییز قایل شوند. دانشگاه سلطنتی علوم سوئد، کار این اقتصاددانان را به عنوان پژوهشی که نقش اساسی در اکثر حوزه‌های اقتصاد و علوم سیاسی ایفا می‌کند، معرفی کرده است.

این جایزه به مبلغ ۱۰ میلیون کرون سوئد (یک و نیم میلیون دلار) است که بین این سه نفر تقسیم شده است.

این کاربردی از نظریه‌ی بازی‌ها است که در مواقعی که بازارهای کامل وجود ندارند به کار می‌رود؛ مثلاً در چانه‌زنی‌های بین شرکت‌ها و یا سیاستمداران. اقتصاددانان به دنبال توضیح این مسأله هستند که چگونه می‌توان به یک نتیجه‌ی بهینه مثل بهبود رفاه اجتماعی یا سود بیشتر دست یافت. علاوه بر این به دنبال تحلیل این مسأله هستند که چه قوانین و مقررات دولتی باید برای این نوع بازارها به کار رود.

جهت برآوردن این هدف، آنها استفاده از نظریه‌ی بازی‌ها را که اولین بار توسط جان نش به اقتصاد معرفی شد، گسترش دادند. جان نش به خاطر این کار علمی در سال ۱۹۹۴ برنده‌ی جایزه نوبل شد.

اما بر خلاف نظریه‌ی اصلی نش، این سه اقتصاددان به تحلیل شرایطی می‌پردازند که بازیگران می‌توانند بارها و بارها به بازی ادامه دهند. در سال ۲۰۰۵، تامس شلینگ و روبرت اومن به خاطر کار مشابهی در به کارگیری نظریه‌ی بازی‌ها در علوم سیاسی، برنده‌ی جایزه نوبل شدند.

این طرح (شرکت مهندسی و ساخت تاسیسات دریایی) بتواند آن را با سقف قیمتی تعیین شده آن انجام دهد.

تا خرداد ماه آینده ۵۰ هزار بشکه از میدان نفتی آزادگان برداشت می‌شود

خبرگزاری جمهوری اسلامی: مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران بر تولید روزانه ۵۰ هزار بشکه نفت از میدان عظیم نفتی آزادگان تا خرداد ماه سال ۱۳۷۸ تاکید کرد.

محمدجواد عاصمی پور، قائم مقام مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، گفت: با اجرای طرح تولید زودهنگام از میدان آزادگان تا پایان دی ماه امسال برداشت از این میدان به میزان ۲۵ هزار بشکه در روز آغاز خواهد شد.

در طرح تولید زودهنگام از میدان آزادگان شش حلقه چاه اکتشافی در این میدان تعمیر و تکمیل شده و با نصب تاسیسات سرچاهی و احداث خط لوله به طول افزون بر یک صد کیلومتر، نفت تولیدی میدان آزادگان به واحد بهره‌برداری اهواز سه انتقال و پس از فرآورش به مبادی صادراتی ارسال می‌شود. ک/۱/۶۴۰/۶۴۸

تبصره از بودجه ۸۷ افتاد / قیمت پایه نفت در برنامه چهارم ۱۹ دلار



گزارش مهر از معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری حاکی از آن است که در راهروهای ساختمان این معاونت دیگر

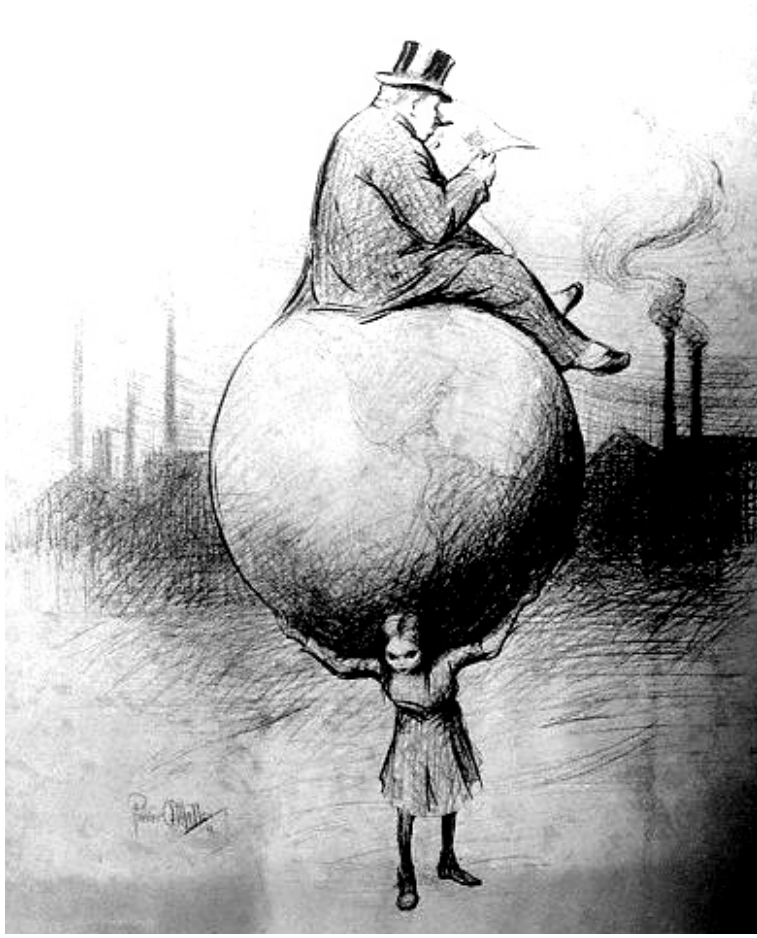
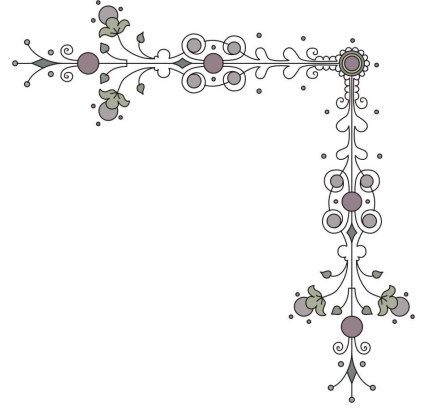
خبری از چانه زنی دستگاه‌ها برای افزایش بودجه نیست. دولت امسال برای اولین بار سقف بودجه ۴۵ دستگاه دولتی را تعیین کرده و این دستگاه‌ها بودجه سال ۸۷ خود را در قالب «سی دی» در اختیار معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری قرار می‌دهند. این در حالی است که در بودجه سال جاری و بودجه‌های سالهای قبل بیش از ۶۰۰ دستگاه دولتی ردیف بودجه داشته و دارند. البته لایحه بودجه دیگر تبصره ندارد. دولت و مجلس بیشترین زمان را در سالهای قبل صرف بررسی و تصویب تبصره‌های زیادی بودجه می‌کردند که امسال دولت لایحه تبصره‌های دائمی را به مجلس ارسال و یک فوریت آن نیز در صحن علنی به تصویب رسیده است.

در جدول شماره ۸ قانون برنامه چهارم توسعه آمده است: قیمت پایه نفت در بودجه سال ۸۷ باید ۱۹ دلار تعیین و مازاد بر آن به حساب ذخیره ارزی منتقل شود.

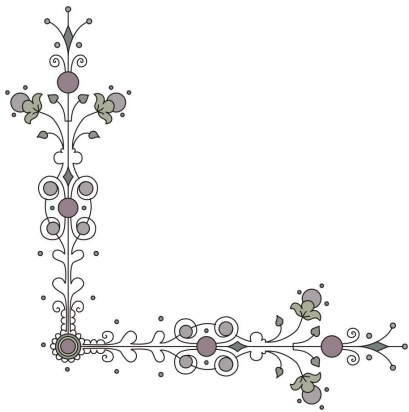
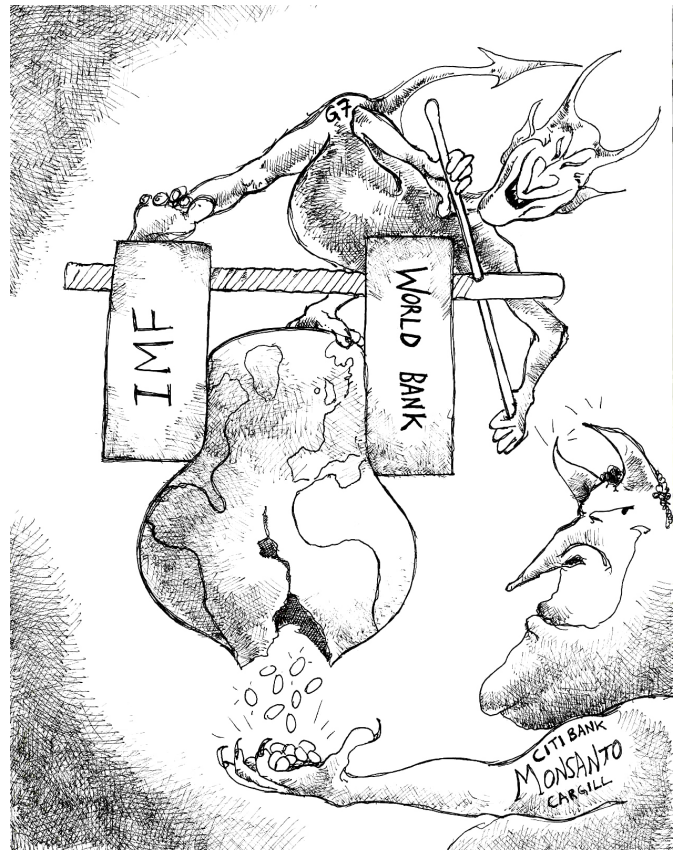
وزارت نفت به دولت پیشنهاد کرده است که قیمت پایه نفت را در بودجه سال ۸۷ بین ۵۰ تا ۵۵ دلار تعیین کند. از دیگر سو، برخی منابع دولتی از بررسی قیمت پایه نفت بین ۴۰ تا ۵۰ دلار در دولت خبر داده‌اند. براساس اعلام دولت قیمت پایه نفت در بودجه سال ۸۶ حول و حوش ۳۳ دلار بوده است.

۳۲

شماره ششم - آذرماه ۱۳۸۶



شماره ششم - آذرماه ۱۳۸۶



SADR

Journal of Economics Students

The General Economic Policies of Article 44 from The
Supreme Leader's Point of View

The Economic Policies of the 9th Government

The Last Part of the Interview with Hojat-ul-Islam Mesbahi Moqadam

“Globalization and It's Discontents” by Joseph E. Stiglitz:
A Book Review

A Historical Review of Economic Planning in Iran

A Review of Achievements of Iran's Development Plans
Before and After the Islamic Revolution

Economics for Everyone:
Poverty's Old Tales